

مقایسه تطبیقی تهدیدات امنیتی در گفتمان متعارف و متعالیه

● علی محمد جعفریان ●

دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

چکیده

پیچیدگی و انتزاعی بودن تهدید باعث شده تا اندیشمندان و نظریه‌پردازان نسبت به تبیین آن نظرات گوناگونی ارائه دهند هر کدام از نظریه‌پردازان، این موضوع را با ابعاد و شاخص‌های مختلفی مورد تعریف قرار داده‌اند که به‌رغم وجود برخی افتراخ اما اشتراکات متعددی در آن یافت می‌شود. این مقاله، از منظر دو گفتمان: اول گفتمان متعارف که برگرفته از تعاریف و آراء اندیشمندان و نظریه‌پردازان مختلف که در مقام مقایسه تطبیقی، تهدید را از دیدگاه عقلانیت‌گرایی، انتقادی، سازنده‌گرایی، کپنهاک، جهان سوم و نابرابری و دوم گفتمان متعالی که برگرفته از آیات قرآن و نظرات امامین انقلاب می‌باشد را به روش توصیفی مورد مطالعه قرار داده است.

براساس نتایج به دست آمده، بارزترین منابع و ویژگی تهدیدات از نظر رئالیست‌ها: نظامی، ملموس، مستمر، دولت محوری و سرزمینی بودن آن‌هاست. در نظریه‌های انتقادی تهدیدات غیرسرزمینی بوده و صرفاً عینی، قابل مشاهده، دائمی و ثابت نیستند. از منظر سازنده‌گرایی؛ تهدیدات ثابت و دائمی نبوده و قبل از آن‌که مادی و فیزیکی باشد، غیرمادی و اجتماعی است. از نگاه کپنهاک، تهدید به ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و زیست‌محیطی تفکیک شده و دغدغه‌های امنیتی دولت، لزوماً همان دغدغه‌های امنیتی جامعه نیست. هم‌چنین مشکلات امنیتی و تهدیدات در نظر جهان سوم ریشه در ماهیت در حال توسعه بودن و ارتباط و تعامل آن‌ها با سایر دولت‌ها دارد و در نهایت جوهره اصلی رویکرد، نابرابری آن است که نابرابری در اشکال و ابعاد مختلف آن، مشکل و معضل اصلی انسان‌هاست.

در گفتمان متعالی تهدید از منظر قرآن و پیامبرگرامی اسلام (ص) به عوامل اساسی و زیر بنایی از جمله: استکبار، حاکمیت طاغوت، ظلم، تجاوز و ارباب و توجه به سعادت دنیا و عقبای انسان می‌پردازد و از نظر امامین انقلاب با نگاه قرآنی به موضوعاتی از جمله: فردی و سازمانی، مادی و معنوی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ابعاد هفت‌گانه پرداخته می‌شود. این مقاله قصد دارد تا مقایسه‌ای تطبیقی بین نظریه‌های موجود در گفتمان متعارف و گفتمان متعالی را ارائه دهد و به این سؤال پاسخ دهد که چه وجه اشتراک و یا تمایزی از نظر تطابق بین این دو گفتمان وجود دارد. این تحقیق به روش توصیفی و داده‌های تحقیق به طریق مطالعه کتابخانه‌ای و پویس‌های اینترنتی گردآوری شده است.

کلیدواژگان: تهدید، تهدید امنیتی، گفتمان متعارف، گفتمان متعالی

تعارض عاملی است که گاهی انسان را با خطر و تهدید مواجه می‌نماید و این تهدید زمانی احساس می‌شود که منافع انسان و یا منتفعان را با خطر مواجه نماید و از آن‌جا که خداوند متعال، بشر را به گونه‌ای خلق کرده که پیچیدگی‌های تعارض‌ها را درک می‌کند و نظر به اینکه برای ابنای بشر منافع و ارزش‌ها، تعاریف گوناگونی دارد شاید بتوان بارزترین منفعت انسان‌ها را که به‌طور مشترک مورد تهدید قرار می‌گیرد حق حیات و آزادی دانست. لذا آرای متفاوت که برگرفته از اعتقادات، رفتارها، نگرش‌ها و... در جوامع مختلف می‌باشد باعث شده تا انسان‌ها و حکومت‌های مختلف منافع خود را با دسته‌بندی ابعاد و شاخص‌های خاص خود مورد تعریف و تفکیک قرار دهند.

از طرفی در هر سنت مطالعاتی در هر حوزه و علمی دانستن پیش‌نیازهایی از آن الزام‌آور است تا از طریق آن، درک صحیح و مناسبی از روندشناسی آن موضوع تحصیل گردد که از جمله این پیش‌نیازها ضرورت شناخت و آشنایی با «نظریه‌ها» و «مکاتب» آن حوزه است زیرا عدم دانش نسبت به آن باعث می‌شود به سختی درک مناسبی از مفاهیم و محتوای آن علم را به‌دست آورد.

حوزه مطالعات امنیتی در «گفتمان متعارف» نیز به فراخور صبغهٔ نه‌چندان طولانی خود دارای نظریات و مکاتبی است که بنا به خاستگاه و مقاطع تاریخی و رویدادی خود، رویکردهای مختلفی از مقوله تهدید و امنیت ارائه نموده است. بدیهی است دانستن و اشراف به زوایای آشکار و پنهان این مقولات مستلزم شناخت عمیق از نظریه‌های مطرح مطالعاتی امنیتی بوده تا مواجهه با مسائل امنیتی در بستر علمی این حوزه دنبال شود و از طرفی در «گفتمان متعالی» نیز احصا و برداشت تهدید از آیات و نظرات بزرگان نیز مقوله‌ای است که مستلزم مذاقه و بررسی مناسب در ابعاد گوناگون می‌باشد. بنابراین این مقاله مترصد پاسخی به این سؤال است که بین نظریه‌های تهدیدات امنیتی در دو گفتمان «متعارف» و «متعالی» چه انطباقی وجود دارد.

هدف اصلی این پژوهش مقایسه تطبیقی بین نظریه‌های تهدیدات امنیتی در دو گفتمان متعارف و متعالی می‌باشد.

کالبدشکافی مفهومی

تهدید

تهدید^۱ مفهومی انتزاعی است که درهم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. هر جا که موضوع امنیت مورد مذاقه قرار گیرد، حتماً از تهدید نیز سخن به میان می‌آید. در عین حال نمی‌توان از تهدید سخن گفت ولی امنیت و تأثیر آن را نادیده گرفت. صاحب نظران در مورد تعریف تهدید اختلاف نظر فراوان دارند و متناسب با نظرات و دیدگاه خود، تعاریف مختلف و خاص ارائه نموده‌اند؛ لذا تاکنون تعریف دقیق و روشنی از تهدید توسط اندیشمندان امنیتی ارائه نگردیده است. بنابراین، ارائه یک تعریف دقیق از تهدید به دلیل چندوجهی بودن و ارتباطش با امنیت، منافع، اهداف و راهبردها، پیچیده و مشکل است. تهدید در لغت به معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت کردن است. فرهنگ معین تهدید را ترساندن و بیم دادن معنی کرده است و «لرنر» تهدید را عبارت از هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد، دانسته و معتقد است تهدیدات، منافع را هدف قرار می‌دهند. مفهوم تهدید در نگرش سیستمی، عدم تعادل در سیستم بیان شده است. یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به اهداف خویش برسد. در پاره‌ای از متون نیز تهدید به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به مقاصد تعیین شده، تعریف شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۸۴).

لغت‌نامه‌های معتبر بین‌المللی تعاریف کمابیش مشابهی از تهدید ارائه داده‌اند. لغت‌نامه «وبستر»^۲ تهدید را «بیان و ابزار قصد آسیب‌رساندن، نابودی یا تنبیه کردن دیگران از روی انتقام یا ارباب می‌داند.» لغت‌نامه آکسفورد نیز در تعریف تهدید، آن را «قصد ابراز شده برای صدمه، یا آسیب‌رسانی یا دیگر اقدامات خصمانه علیه کسی معرفی می‌کند» (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۲). در اصطلاح نیز تهدید عبارت است از وضعیتی که در آن، خطر یا آسیب جدی، ارزش‌های اساسی و حیاتی یک بازیگر را مورد هدف قرار می‌دهد (ره‌پیک، ۱۳۸۵: ۸۹). معناسازی تهدید با قدرت حمله یکی دیگر از تعاریف است. بر این اساس تهدید عبارت است از «سنجش قدرت حمله که با توجه به پارامترهایی نظیر: توانایی و انگیزه تهدیدگر یا مهاجم و چگونگی اعمال آن بیان می‌گردد.» با توجه به رابطه میان عامل یا کارگزار تهدید

- 1.Threats
- 2.Webster

و حوزه آن، موضوع تهدید پدیده‌ای بینادذهنی^۱ است. بر این اساس ایده‌ها، افکار، مفاهیم، زبان، گفتمان، علائم و نشانه‌ها به صورت متقابل با نیروها و محیط مادی، تهدیدهایی را شکل می‌دهند. لذا ممکن است با تغییر افکار، عقاید، مفاهیم، بازیگران یا محیط تهدیدهای تغییر کرده یا از بین برود (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۲). در پاره‌ای دیگر از تعاریف تهدید به مثابه شکل بالفعل آسیب‌پذیری تعریف می‌شود. آسیب‌پذیری از این منظر میزان حساسیت یک ملت و یا نیروی نظامی را گویند، به طوری که بتوان با به کارگیری توان و ابزار نظامی و غیره از توان و کارآیی آن ملت یا نیروی نظامی کاست (کالینز، ۱۳۶۸: ۷۲).

در حالی که برخی از محققان معتقدند که تهدید چیزی نیست جز مخاطره‌ای که در نسبت بین (حداقل) دو تصویر موضوعیت پیدا می‌کند و سپس مبنای عمل در مناسبات عینی قرار می‌گیرد. در این جا مناسبات عینی بین واحدها دیگر اصالت ندارد آنچه اصالت دارد در ورای آن یا همان تصور طرفینی است که خود را بر عالم عینی تحمیل می‌کند (افتخاری، ۱۳۷۸). «افتخاری» هم چنین در مورد ماهیت تهدید از وجود مشکل سخن می‌گوید: «تصور ما از تهدید در واقع بخشی از تصور کلان‌تر که همان تصور ما از دیگران باشد، است. یعنی نخست ما دیگری را به عنوان مخالف خود به تصویر می‌کشیم و سپس از درون آن تصویر کلان، به تصویر خردتر تهدید می‌رسیم. در واقع ما خود، تهدید را در بطن تصویر اول لحاظ کرده و سپس آن را استخراج و عرضه می‌داریم» (همان، ۱۳۸۱: ۵۰).

از مجموع ملاحظات فوق می‌توان به تعریف جامع‌تری از تهدید دست یافت که تهدیدات امنیتی را نیز می‌توان از مصادیق آن دانست:

تهدید عبارت از وضع و حالتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده‌ها و رابطه آن‌ها با بقا، کمیت یا کیفیت ارزش‌های اساسی و مورد احترام بر وجود خطر جدی یا امکان نابودی آن ارزش‌ها دلالت می‌کنند.

1.4- مفهوم بینادذهنی به این مهم اشاره دارد که تهدید در رابطه میان عامل تهدید و حوزه تهدید ساخته می‌شود.

تهدید امنیتی^۱

صرف نظر از معانی لغوی و لفظی تهدید، در ادبیات امنیتی تعاریف و توصیف‌های گوناگونی از تهدید صورت گرفته است. وجود یک فشار خارجی منفی، فقدان امنیت، ایجاد اختلال در توانایی‌های کشور در کسب اهداف ملی، اقداماتی که کمیت و کیفیت زندگی مردم یک کشور یا دامنه اختیارات حکومت را به طور جدی کاهش دهد، درک و ساخت یک دشمن یا وضعیت خطرناک، محدود کردن و حبس آزادی و رهایی... از جمله تعاریفی است که برای تهدید در حوزه امنیت و امنیت ملی ذکر می‌گردد (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

«ریچارد المان»^۲ تهدید را به مثابه یک پدیده امنیتی به «رفتار یا مجموعه‌ای از اقدامات که برای زندگی یک بازیگر ایجاد خطر نموده و دامنه گزینه‌های انتخابی او را محدود می‌کند» تعبیر می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۷). باری بوزان معتقد است به دو دلیل تهدیدها را مشکل می‌توان شناخت: دلیل اول به مسئله ذهنی یا عینی بودن^۳ تهدید و دوم به مشکل تشخیص تهدیدهای امنیتی از غیر امنیتی باز می‌گردد. لذا به راحتی نمی‌توان گفت همه تهدیدها، مسائل تهدید امنیتی هستند. وی معتقد است تفاوت میان چالش‌های عادی و تهدیدهای امنیتی را باید از روی طیف گسترده تهدیدها شناسایی نمود. اینکه به طور دقیق کدام نقطه در این طیف باید آغاز مسئله تهدید امنیتی تلقی شود، بیشتر تابع انتخاب‌های سیاسی است. در یک توصیف کلی از تهدید امنیتی می‌توان آن را تهدید نسبت به «ارزش‌های امنیتی» تعریف کرد. «ارزش‌های امنیتی» یا «ارزش‌های حیاتی» در واقع مرکز ثقل امنیت در هر سیستم و سطح امنیتی هستند. برخی این مرکز را مرجع امنیت می‌نامند. مرجع امنیت چیزی است که امنیت آن را باید ضرورتاً تأمین نمود. بنابراین تهدید آن چیز، تهدید امنیتی تلقی می‌گردد. البته سیستم‌های مختلف مرجع امنیتی گوناگونی را برای خود تصور می‌کنند. به طور مثال ایدئولوژی دولت می‌تواند مرجع امنیت باشد. بنابراین تهدید ایدئولوژی دولت تهدید امنیتی است. نکته قابل توجه در تهدید امنیتی صرف نظر از بحث مرجع امنیت آن است که درجه تهدید نسبت به ارزش‌های امنیتی چقدر است؟ برخی نگاه‌های مضیق تنها تهدیدات و خطرات

1. Security threat

2. R. Ulman

3. Objective / Subjective Problem

کاملاً جدی و اساسی را که به بقا و موجودیت ارزش‌های امنیتی ارتباط دارد تهدید امنیتی می‌دانند و گروهی دیگر با نگاهی موسع‌تر مهم بودن تهدید را شرط می‌کنند. به نظر می‌رسد انتخاب رویکرد مناسب به شرایط محیطی و مبانی سیاست‌گذاری سیستم‌ها ارتباط داشته باشد ولی آنچه مسلم است تهدید امنیتی نباید تهدیداتی معمولی و غیر مهم را دربر بگیرد.

از آن‌جا که تهدیدها به علت ماهیت معناشناختی خود، اغلب در حوزه مسائل امنیتی قرار داده می‌شوند، این نوع تفکیک دقت ما را در این زمینه افزایش می‌دهد. این طبقه‌بندی حکایت از آن دارد که تهدیدهایی با وجود آنکه می‌توانند در حوزه‌های مختلف وجود داشته باشند به اجبار امنیتی محسوب نمی‌گردند. برای مثال، در حوزه اقتصادی ممکن است تهدیدهای مختلفی ناشی از ماهیت رقابت‌گونه اقتصاد وجود داشته باشد، در حالی که به‌ناچار این تهدیدها در مجموعه تهدیدهای امنیتی قرار نمی‌گیرد یا حتی در امنیتی‌ترین حوزه‌ها مانند نظامی ممکن است تهدیدهایی وجود داشته باشد که در چارچوب تهدیدهای سازمانی آن حوزه قرار می‌گیرد، مانند اعتیاد در کارکنان و وظیفه نیروهای مسلح (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۶۲).

با توجه به این توضیحات برای تفکیک میان تهدیدهای امنیتی و تهدیدهای عمومی [و غیر امنیتی] باید از معیار مناسبی سود جست. در این خصوص یکی از مهم‌ترین معیارهای ارائه شده مفهوم تهدیدهای وجودی است که به آن دسته از تهدیدهایی گفته می‌شود که با بقا یا مرگ و زندگی یک سیستم در ارتباط باشد. تهدیدهای وجودی همان‌طور که از نام آن پیداست، در واقع تهدیدهایی را شامل می‌شود که موجودیت یک سیستم را نشانه رفته است؛ بنابراین برای تشخیص تهدیدهای وجودی نیازمند تعیین اهداف یا موضوعات مرجع سیستم هستیم؛ یعنی اینکه باید مشخص شود چه موضوعاتی در یک سیستم در مجموعه موضوعات مرتبط با موجودیت یا بقا آن قرار دارد. این اقدام تعیین تهدیدهای وجودی را بسیار آسان‌تر و قابل ارزیابی‌تر خواهد نمود. در همین خصوص کارشناسان این مفهوم معتقدند تهدیدهای وجودی تنها در ارتباط با ویژگی خاص هدف مرجع مورد نظر درک می‌شود؛ زیرا در اینجا با معیاری جهانی برای آن وضعیتی که حیات بشر را تهدید می‌سازد، سروکار نداریم. از سوی دیگر ویژگی وجودی حیات در بخش‌ها و سطوح مختلف تحلیل متفاوت است و به همین جهت تهدیدهای وجودی نیز متفاوت خواهد بود.

1. Existential Threat

مرتبط بودن یا نبودن تهدیدها به بقا یا موجودیت یک سیستم ما را مجاز می‌نماید تا بتوانیم تهدیدها را به دودسته کلی تهدیدهای امنیتی و عمومی تقسیم نماییم. در این میان تهدیدهای امنیتی تهدیدهایی است که موجودیت یا مرگ و زندگی یک سیستم را نشانه رفته است و تهدیدهای عمومی به تهدیدهایی گفته می‌شود که اگرچه ویژگی تهدید را در خود دارد، موجودیت سیستم را در معرض خطر قرار نداده است. از همین جا مشخص می‌شود که هر چه نام تهدید بر آن گذاشته شد، به اجبار دارای کارکرد یکسانی نیست.

با این توضیحات سؤال مهم این است که آیا هر تهدید امنیتی، تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب می‌گردد؟ در پاسخ می‌توان گفت تهدیدهای امنیت ملی، تهدیدهایی است که متوجه اهداف مرجع امنیت ملی باشد و اهداف مرجع امنیت ملی اغلب مرتبط با حوزه‌های عمومی و دولتی است و کمتر در حوزه‌های خصوصی وجود دارد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد موجودیت بخش‌های مختلف در یک کشور مثل بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی همگی در مجموعه اهداف مرجع امنیت ملی قرار داشته باشند؛ بنابراین هر تهدیدی که موجودیت آن‌ها را به خطر اندازد، امنیتی و علیه امنیت ملی خواهد بود. حتی گاهی برای برخی از کشورها موجودیت برخی نظام‌ها نیز در چارچوب تهدیدهای امنیت ملی قرار می‌گیرد؛ برای مثال، موجودیت اقتصاد بازار برای آمریکا، هدف مرجع امنیت ملی است. با وجود آنکه اقتصاد بازار سرشار از تهدیدهای عمومی است، اما از آن‌جا که یکی از پایه‌های ایدئولوژی دولت در آمریکا اقتصاد بازار است، به خطر افتادن موجودیت آن یک تهدید امنیت ملی محسوب می‌گردد (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۵۳). در واقع تهدیدهای امنیتی مرز میان خطر و ریسک هستند. در این چارچوب خطر و واژگان مرتبط با آن به معنای عبور از مرز تهدیدهای امنیتی و وارد شدن به حیطه تهدیدهای امنیتی بالفعل است؛ در حالی که ریسک مرحله ماقبل تهدیدهای امنیتی به رسمیت شناخته شده و مرحله‌ای از تهدیدهای بالقوه است (همان، ۴۰).

آنچه از نظرات امنیتی در مفهوم و ویژگی تهدیدات امنیتی یافت می‌شود، نخست اینکه؛ تهدید امنیتی می‌بایست متوجه ارزش‌های اساسی و حیاتی بازیگر از جمله اهداف، منافع ملی، دولت، تمامیت ارضی، استقلال و... گردد. دوم؛ هر تهدیدی صبغه امنیتی نداشته و به صرف تهدید بودن نمی‌توان برچسب امنیتی بر آن زد. برخی معتقدند، تفاوت بین تهدیدهای امنیتی

با غیر امنیتی را باید از طیف گسترده آنکه از موارد روزمره تا تهدیدهای جدی و شدید را شامل می‌گردد، استخراج نمود و اینکه کدام نقطه طیف را باید به‌عنوان آغاز تهدید امنیتی انتخاب کرد به تلقی و درک بازیگر از امنیت برمی‌گردد. در عین حال که تقلیل شاخص‌های امنیت باعث اتلاف منابع و صرف هزینه‌های زیاد و بالا بردن آن نیز خطر کاهش آمادگی برای مقابله با تهدیدهای جدی را به همراه خواهد داشت (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

گفتمان

مفهومی است که آنتونیو گرامشی به‌صورت ضمنی و میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴) فیلسوف اجتماعی فرانسوی آشکارا به کار برده‌اند. «گفتمان» از نظر فوکو عبارت است از تفاوت میان آنچه می‌توان در یک دوره معین (مطابق قواعد دستوری و منطقی) به‌صورت درست گفت و آنچه در واقع گفته می‌شود. از ویژگی‌های تفکر فوکو یکی آن است که «گفتمان‌ها» را در ارتباط با کاربرد و کارکردشان می‌سنجند و دیگر آنکه آن‌ها را در پیوندشان با قدرت تعریف می‌کند. وی «گفتمان» را نه به‌خاطر معانی مستور در آنها، بلکه به‌منظور درک شرایطی مطالعه می‌کند که «گفتمان‌ها» بر حسب‌شان پدید می‌آیند و دگرگونی‌هایی که «گفتمان‌ها» سبب آن‌ها است. وی معتقد است «گفتمان‌ها» با گذشت زمان تغییر می‌کنند؛ چنانکه شیوه‌های تفکر و گفتار در مورد مفاهیمی مثل امنیت و آزادی و مدرنیسم دستخوش تغییر شده است (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

یورگنسن و فیلیس در کتاب نظریه و روش در تحلیل گفتمان خود آورده‌اند: «گفتمان» قریب به دو دهه است که واژه‌ای مُد روز شده است. آن‌را بی‌هدف و غالباً بی‌آن که تعریف کنند در متن‌ها و بحث‌های علمی به کار می‌گیرند. اکنون «گفتمان» به واژه‌ای مبهم و گاه بی‌معنا بدل شده است که حتی زمانی که آن را با دقت به کار می‌برند در هر بستری معنایی متفاوت دارد. اما در بسیاری از موارد منظور از «گفتمان» این است که زبان در چارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده و مردم به‌هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند. مانند: «گفتمان پزشکی» و «گفتمان سیاسی» ضمن اینکه هیچ اجماع روشنی درباره‌ی چستی «گفتمان» و نحوه‌ی عملکرد آن وجود ندارد. هر دیدگاهی پیشنهادی خود را عرضه می‌کند و تا حدودی نیز بر سر «گفتمان» و تعاریف خود با دیگر دیدگاه‌ها رقابت دارند. در هر حال در تعریفی از «گفتمان» می‌توان آن را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره‌ی جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) معرفی کرد (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸).

تهدید (نظریه‌های امنیتی) در گفتمان متعارف

تهدید از منظر رئالیست‌ها

از منظر رئالیست‌ها، رفتار و عملکرد دولت‌ها در عرصه بین‌المللی تابع قواعد مشخص و معینی است که با شناسایی این قواعد می‌توان رفتار آتی آن‌ها را تشخیص داد. به تعبیر دیگر رئالیست‌ها به عقلانیت رفتار بازیگران و در رأس آن‌ها دولت اعتقاد دارند. از نظر رئالیست‌ها ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل اصلی‌ترین تهدید پیش‌روی دولت‌ها در روابط خارجی آن‌ها است تا جایی که حیات و بقای دولت‌ها به واسطه این آنارشی در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. از این رو برای دولت‌ها، تهدیدهای خارجی مقدم بر تهدیدهای داخلی است. تهدید آنارشی در نظام بین‌الملل یک تهدید ساختاری است و با تغییر موازنه قوا هم از بین نمی‌رود. «والتز» معتقد است پایان جنگ سرد صرفاً موازنه قوا را در نظام بین‌الملل تغییر داده اما تغییری در ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل ایجاد نکرده است (Waltz, 2000: 45). افزون بر این تهدید ساختاری و دائمی، رفتار بازیگران در نظام بین‌الملل آنارشیک نیز می‌تواند تهدیدی برای سایر بازیگران باشد. بنابر اصل خودیاری، هر دولتی در نظام بین‌الملل می‌کوشد با اتکا به خود یا پیوستن به اتحادهای نظامی، قدرت نظامی خود را افزایش دهد و از این طریق امنیت خود را تأمین کند. اما تقویت توان نظامی یک دولت باعث افزایش نگرانی‌های دولت دیگر از نیت دولت نخست شده و زمینه را برای رقابت نظامی فراهم می‌کند (Graeme Cheesema, 2005: 64). زیرا در نظام بین‌الملل آنارشیک، دولت‌ها نمی‌توانند به یک‌دیگر اعتماد و اطمینان کامل داشته باشند. این امر مستلزم توجه به رفتارهای بازیگران است. هرچند دولت‌ها بالقوه تهدیدی علیه یک‌دیگر محسوب می‌شوند اما این تهدید زمانی حالت عینی و بالقوه پیدا می‌کند که یک دولت مبادرت به تقویت زیرساخت‌ها و توان نظامی خود نماید.

برای شناسایی تهدیدها و ویژگی‌های آن در رئالیست‌ها چهار پرسش اساسی در مورد تهدید مطرح می‌کنیم:

- ۱- منبع تهدید کدام است؟ ۲- چه کسی تهدید می‌شود؟ ۳- چه کسی باید با تهدید مقابله کند؟ ۴- چگونه می‌توان تهدید را دفع کرد؟

در پاسخ به پرسش نخست، رئالیست‌ها به دو منبع اصلی تهدید برای دولت‌ها اشاره می‌کنند:

از نظر نورئالیست‌ها ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و از نظر رئالیست‌های کلاسیک رفتار دولت‌ها اصلی‌ترین منبع تهدید بازیگران دولتی در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. در مورد پرسش دوم جواب، دولت است. چون از نظر نورئالیست‌ها بازیگر اصلی نظام بین‌الملل دولت می‌باشد؛ از این رو بیشترین تهدیدها متوجه دولت است و نه بازیگران بین‌المللی یا داخلی. هرچند نورئالیست‌ها وجود بازیگران غیر دولتی را انکار نمی‌کنند، اما بازیگر اصلی را دولت می‌دانند و به‌همین دلیل نیز دولت بیشتر از سایر بازیگران در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

علاوه بر این و در پاسخ سؤال سوم، بنابر اصل خودیاری، دولت به تنهایی از خود در برابر تهدیدها دفاع می‌کند؛ یعنی در همان حال که دولت بیشتر از دیگران تهدید می‌شود در همان حال نیز در دفع تهدیدها تنهاست.

بالاخره در مورد پرسش چهارم رئالیست‌های سنتی افزایش قدرت نظامی را موثرترین شیوه دفع تهدیدها علیه دولت می‌دانند. هرچند دیپلماسی و سازمان‌های اطلاعاتی قوی و حتی نفوذ فرهنگی نیز می‌توانند به دفع تهدیدها کمک کنند اما در تحلیل نهایی قدرت نظامی اصلی‌ترین ابزار سیاست امنیتی و خارجی است (Michael Sheehan, ۲۰۰۵: ۱۳). قدرت نظامی کاربردهای متعددی دارد از این رو مطمئن‌ترین ابزار برای مقابله با تهدیدهایی است که متوجه دولت‌ها می‌باشد.

به نظر می‌رسد منابع و ویژگی تهدیدها از نظر رئالیست‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- نظامی بودن تهدیدها.
- ۲- عینی و ملموس بودن تهدیدها: رئالیست‌ها برای تصور تهدید یا تهدیدهای ذهنی و غیر ملموس اهمیت چندانی قائل نیستند. تهدید باید عینی، ملموس و حتی قابل اندازه‌گیری باشد تا بتوان با آن مقابله کرد
- ۳- سلسله مراتبی بودن^۱ تهدیدها: تهدیدها دارای سلسله مراتبی می‌باشند و اولویت دایمی در مقابله با این تهدیدها همواره از آن تهدیدهایی است که متوجه امنیت ملی می‌باشد و چون این تهدیدها نظامی‌اند؛ بنابراین تهدیدهای نظامی همواره از یک اولویت دایمی برخوردارند.

1. Hierarchy

۴- مستمر بودن تهدیدها: جنگ و آناشرشی، تهدیدهای دایمی علیه امنیت ملی دولت‌ها می‌باشد و این در حالی است که سایر تهدیدها معمولاً در یک فاصله زمانی مشخص و شاید محدود بروز و عمل می‌کنند و دایمی نیستند به همین دلیل اصل عقلانیت در رفتار دولت‌ها ایجاب می‌کند آن‌ها بیشترین انرژی خود را به اصلی‌ترین و مستمرترین تهدیدها معطوف کرده و از پرداختن هم‌زمان به انواع تهدیدها با اهمیت و بی‌اهمیت اجتناب کنند.

۵- دولت‌محور بودن تهدیدها: با توجه به این که دولت بازیگر اصلی در نظام بین‌الملل می‌باشد، از این رو بیشترین تهدیدها علیه دولت‌ها از سوی دولت‌های دیگر است.

۶- سرزمینی بودن^۱ تهدیدها: به این معنا که تهدیدهای نظامی دایمی دولت‌محور با فاصله و سرزمین ارتباط مستقیمی دارد. هرچه فاصله کمتر باشد تهدید سریع‌تر منتقل می‌شود و بالعکس.

۷- تناسب^۲ قدرت در مقابله با تهدید؛ هرچه میزان قدرت یک دولت در نظام بین‌الملل بیشتر باشد، تهدیدهای کمتری متوجه آن دولت است و بالعکس (Tarak Barkawi and Mark Laffey, ۲۰۰۶: ۳۲). پس با وجود ثابت بودن آناشرشی و مسلح شدن دولت‌ها، نحوه برخورد دولت‌ها با این تهدیدها تابع قدرت نظامی آن‌ها است؛ بنابراین همان‌طور که گفته شد مؤثرترین راه برای تأمین امنیت ملی و مقابله با تهدیدات نظامی، افزایش توان نظامی یک دولت است. به عبارت ساده‌تر؛ نظامی بودن، عینی و ملموس بودن، سلسله‌مراتبی بودن، مستمر بودن، دولت‌محور بودن و سرزمینی بودن تهدیدات، ویژگی‌های بارز تهدیدها از منظر رئالیست‌ها بوده و مدیریت تهدید مستلزم تناسب قدرت است (کاظم‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۵).

تهدید از منظر ایده آلیست‌ها (لیبرالیست‌ها)

لیبرالیسم بر بنیان‌های ایده آلیسم بنا شده است (هافندورن، ۱۳۸۰: ۱۹۹). ایده آلیست‌ها برخلاف رئالیست‌ها به جای تأکید بر امنیت، صلح را محور مباحث خود قرار دادند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲۵) زیرا از نظر آن‌ها بزرگ‌ترین تهدید، جنگ بود. آن‌ها اعتقاد داشتند که رئالیست‌ها به موضوع‌های پراکنده‌ای توجه می‌کنند اما آن‌ها به یک موضوع جامع و کلی (تمرکز بر جنگ) و یافتن راه‌حلی بنیادین برای حذف آن از صحنه بین‌المللی توجه دارند. رئالیست‌ها قدرت را منشأ بحث امنیت می‌دانستند و اعتقاد داشتند امنیت در شرایطی برقرار می‌گردد که

1. Territoriality
2. Proportionality

یک دولت قدرت کافی برای بقای خود داشته باشند. در حالی که ایده آلیست‌ها امنیت را حاصل صلح می‌دانستند و اعتقاد داشتند که صلح پایدار باعث تأمین امنیت خواهد بود (همان: ۱۵-۱۴). در رویکرد لیبرالیستی اهمیت تهدیدهای نظامی نادیده گرفته نمی‌شود اما با ارایه دیدگاهی خوش‌بینانه نسبت به ماهیت آدمی و به تبع آن دولت بر این نکته تأکید می‌شود که انسان‌ها و دولت‌ها به خاطر داشتن رفتار عقلایی می‌توانند بر سر منافع مشترک توافق کرده و برای پیگیری آن‌ها با یک‌دیگر همکاری کنند و ماحصل این امر کاهش بی‌اعتمادی دولت‌ها به یک‌دیگر و نیز کاهش تهدیدهای آن‌ها علیه هم می‌باشد.

از نظر رئالیست‌ها قدرت اقتصادی و در کل اقتصاد، ابزاری است در خدمت اهداف دولت و در رأس آن‌ها برقراری امنیت؛ بنابراین دولت‌ها برای تأمین امنیت (نظامی) خود باید از نظر اقتصادی قوی باشند، اما برای آنکه اقتصاد در خدمت امنیت (نظامی) باشد، دولت خود باید اقتصاد را تحت نظارت داشته باشد.

لیبرال‌ها به خاطر تأکید بر ستانده مطلق^۱ به جای ستانده نسبی، نگران پیامدهای امنیتی همکاری اقتصادی نیستند و حتی معتقدند افزایش همکاری‌های اقتصادی باعث کاهش تهدیدهای نظامی کشورها علیه یک‌دیگر می‌شود.

از نظر لیبرال‌ها در کنار تهدیدهای نظامی، تهدیدهای اقتصادی (تهدید رونق و رفاه اقتصادی) هم می‌تواند امنیت ملی دولت‌ها را تضعیف کند. یعنی کاهش سطح استاندارد زندگی در یک جامعه و به تبع آن اوضاع بد اقتصادی، تهدیدی جدی برای امنیت ملی می‌باشد و بنابراین دولت‌ها باید تمام تلاش خود را برای جلوگیری از کاهش سطح زندگی شهروندان خود به کار گیرند. چنین تهدیدی می‌تواند هم ریشه‌های داخلی و هم ریشه‌های خارجی داشته باشد. منازعه‌ها و جنگ‌های داخلی میان گروه‌ها، اقوام و مذاهب مختلف، تهدیدی برای رونق اقتصادی است، به همین دلیل اعمال تحریم‌ها علیه یک کشور در بُعد اقتصادی و مالی می‌تواند امنیت ملی آن کشور را تهدید کند.

در اصل لیبرال‌ها تحریم اقتصادی را بدیل مناسبی برای ابزار نظامی می‌دانند که می‌تواند از وقوع جنگ و منازعه‌های مسلحانه در نظام بین‌الملل جلوگیری کند. منطق نهفته در پس اعمال تحریم‌های همه‌جانبه این است که با اعمال تحریم‌های همه‌جانبه این است که با اعمال

1. Absolut gains

تحریم‌ها سطح رفاه و رونق اقتصادی در یک جامعه پایین آمده و این تهدیدی برای امنیت ملی آن کشور است از این رو دولت مردان به خاطر این تهدید به درخواست‌های شورای امنیت سازمان ملل تن در می‌دهند.

با توجه به آنچه در مورد ماهیت تهدیدها گفته شد، ویژگی‌های تهدیدات در لیبرالیسم را می‌توانیم به صورت زیر خلاصه کنیم:

۱- نظامی و اقتصادی بودن تهدیدها: تهدیدهای اقتصادی در شرایطی خاص می‌توانند همان اندازه مهم و تأثیرگذار باشند که تهدیدهای نظامی مؤثرند.

۲- عینی و ملموس بودن تهدیدها: تهدیدهای اقتصادی و نظامی عینی بوده و قابل مشاهده‌اند.

۳- اهمیت تهدیدها به شرایط وابسته است: شرایط در تعیین اولویت یک تهدید نقش کلیدی دارند و دولت مردان عاقل باید تشخیص دهند در شرایط فوق کدام تهدید اولویت دارد.

۴- قابل تخفیف بودن تهدیدها: هرچند آناارشی تهدیدی مستمر علیه بقا و امنیتی دولت‌ها است، می‌توان با گسترش همکاری میان دولت‌ها به صورت دوجانبه و چندجانبه (در قالب سازمان‌های بین‌المللی)، تهدید ناشی از آناارشی را مدیریت کرد و به حداقل کاهش داد.

۵- دولت و جامعه محور بودن تهدیدها: تهدیدهای نظامی متوجه دولت‌اند اما خود جامعه نیز می‌تواند به واسطه کاهش سطح رفاه مورد تهدید قرار گیرد که پیامد آن تهدید دولت است؛ بنابراین دولت با جلوگیری از کاهش سطح رفاه در اصل به افزایش امنیت خود کمک می‌کند.

۶- سرزمینی بودن تهدیدها: نسبت عکس میان فاصله و میزان تهدید وجود دارد. تهدیدها در فواصل کوتاه، سریع‌تر منتقل می‌شوند.

۷- تناسب قدرت با کاهش تهدید: به هر میزان قدرت ملی یک کشور بیشتر باشد توان مقابله آن با تهدیدها بیشتر خواهد بود و بالعکس؛ بنابراین دولت‌های ضعیف‌تر در معرض تهدیدهای بیشتری قرار دارند.

تهدید در نظریه انتقادی

رویکردهای انتقادی، ذلت‌گرایی و ایستایی نهفته در رویکردهای عقلانی را زیر سؤال می‌برند. هم‌چنان که امنیت مقوله‌ای ثابت و ذاتی نیست، تهدید نیز چهره‌های گوناگون و متغیری دارد.

مقوله «ساختن»^۱ در رویکردهای انتقادی اهمیت ویژه‌ای دارد. در نگاه نظریه پردازان انتقادی بسیاری از «واقعیت‌های» مورد اشاره رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها در طول زمان و به واسطه عوامل مختلف ساخته شده‌اند. برای درک بهتر مطالعاتی امنیتی انتقادی در ابتدا به شش فرض اصلی نظریه پردازان انتقادی اشاره می‌کنیم:

۱- بازیگران اصلی در سیاست جهانی به واسطه فرآیندهای پیچیده تاریخی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، مادی و هویتی به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند و از قبل موجود نیستند.

۲- سوژه‌ها یا بازیگران از طریق کردارها و اقدام‌های سیاسی که فهم اجتماعی مشترک ایجاد می‌کند، ساخته شده و تکوین پیدا می‌کنند. هویت‌ها و منافع در فرآیند ساخته شدن سوژه نقش ایفا می‌کنند.

۳- سیاست جهانی ثابت و غیر قابل تغییر نیست و ساختارهای آن به دلیل ساخته شدن جبری نیستند.

۴- دانسته‌های ما در مورد بازیگران، ساختارها و عملکرد سیاست جهانی عینی نیست. زیرا جهان عینی، جدایی از جهان جمعی که به واسطه بازیگران آن و ناظران ساخته می‌شود، وجود ندارد.

۵- روش مناسب مطالعه علوم اجتماعی، روش علم طبیعی نیست و یک روش واحد در واحد علوم انسانی وجود ندارد. روشی تفسیری که می‌کوشند جهان اجتماعی بازیگران را درک کنند، اصلی‌ترین روش در نظریه انتقادی است.

۶- هدف نظریه، پیش‌بینی، کنترل ارابه گزارش‌های جهان‌شمول تاریخی نیست. کسب دانش علمی و فهم پدیده‌ها در بستر خاص خود شیوه‌ای مناسب است (Krause, 1396: 6).

در چارچوب فوق، نظریه‌های امنیتی انتقادی سه موضوع را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. الف) مطالعه نحوه ساختن مراجع امنیتی. ب) نحوه ساختن تهدیدهای امنیتی و شیوه پاسخ‌گویی به آنها. پ) احتمال تحول در معمای امنیت^۲ و غلبه بر آن.

موضوع مورد توجه در مطالعات امنیتی انتقادی نحوه ساختن یا شکل دادن به تهدیدها است. بحث اصلی این است که تهدیدها چگونه ساخته می‌شوند، نه اینکه از قبل وجود داشته‌اند و ما به دنبال یافتن

1. Construction
2. Security Dilemma

آن‌ها در جهان بیرون باشیم (آنچه رئالیست‌ها می‌گویند). از نظر رئالیست‌ها تهدید ریشه در ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل داشته و ثابت و مستمرند. البته «استفان والت»^۱ به‌عنوان یک رئالیست در «نظریه موازنه تهدید»^۲ به غیر عینی بودن تهدیدها تلویحاً اشاره می‌کند. به نظر او موازنه دولت‌ها صرفاً در مقابل توانایی‌های عملی نیست بلکه در برابر نیت و قصد مهاجم نیز است (Stephen Walt, 2000). اما دنیای نیت و احساس تهدید یک دنیای ساخته شده متشکل از تاریخ، فرهنگ، ارتباطات و ایدئولوژی‌ها و پیچیده است. آنچه تهدیدها را می‌سازد در اصل پدیده امنیتی کردن است. تهدیدها آن چیزهایی هستند که امنیت مورد نظر دولت را تهدید می‌کنند. به همین دلیل نظریه پردازان انتقادی ادعا می‌کنند تهدیدها دارای وجه عینی و ثابت نیستند که به‌راحتی و برای همگان قابل شناسایی و در مورد آن‌ها اجماع نظر وجود داشته باشد. بنابراین ما با فرآیند «شدن» و نه «بودن» در مواجهه با تهدیدها سروکار داریم. به همین دلیل ممکن است موارد مختلف از ظرفیت یکسانی برای تهدید شدن برخوردار نباشند. هرچند این ادعای نظریه پردازان انتقادی کار شناسایی تهدیدها را مشکل‌تر می‌کند، درعین حال یادآوری می‌کند در دنیای واقعی مسائل مختلف می‌توانند به‌دلایل گوناگون چهره امنیتی به خود بگیرند و به یک تهدید تبدیل شوند.

موضع دیگری که مورد توجه نظریه پردازان انتقادی می‌باشد، شیوه تأمین امنیت است. برخلاف آنچه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها می‌گویند برخورد با تهدیدها همواره افزایش قدرت مادی (اقتصادی یا نظامی) نیست، بالعکس گفت‌وگو در مسائل مربوط به خلع سلاح و اشاعه هم می‌تواند به تأمین امنیت یا افزایش احساس امنیت طرف‌های گفت‌وگو کننده کمک کند و نباید از کارکردهای گفت‌وگو در تأمین امنیت غفلت کرد (Keith Krause and o. Jutersonke, 2005: ۴۴۹-۴۵۰). بنابراین نظریه انتقادی نیز حوزه تهدیدها یعنی سطوح تهدیدها و انواع تهدیدها را افزایش می‌دهد.

از مجموع مطالب گفته شده در مورد نظریه‌های انتقادی می‌توان نتیجه گرفت:

۱- دنیا با انواع تهدیدها در سطوح مختلف مواجه است (نمی‌توان تهدیدات را همانند رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها به سطح دولت محدود کرد. علاوه بر این غیر از تهدیدهای نظامی و اقتصادی، تهدیدهای جدیدی نیز در دنیای پس از جنگ سرد بروز کرده است)

1. Valt
2. Balance of threat

۲- تهدیدها صرفاً عینی و قابل مشاهده نیستند: بخشی از آنچه تهدید تعریف می‌شود نمود عینی و قابل مشاهده ندارد. عینیت، شرط لازم و کافی برای مدیریت موضوع یا شناخت تهدید نیست. یک پدیده قبل از آنکه در فضای خارجی عینیت پیدا کند، دارای هویت اجتماعی درون ساختار جامعه است.

۳- در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هم می‌توان به فرآیندهای تدریجی اشاره کرد که هرچند در ابتدا، تهدیدی برای بازیگران نیستند اما می‌توانند در بستر زمان به تهدید تبدیل شوند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۰).

۴- تهدیدها دایمی و ثابت نیستند: در دنیای به سرعت در حال تغییر نمی‌توان از وجود تهدیدات دایمی و غیرقابل تغییر سخن گفت بسیاری از تهدیدها به مرور زمان و در برخی موارد از بین رفته یا تغییر می‌کنند.

۵- غیر سرزمینی بودن برخی تهدیدها: برخی تهدیدها نظیر تروریسم، بیماری‌های مسری در دنیای پس از جنگ سرد فرا سرزمینی‌اند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌توانند از کشوری به کشور دیگر منتقل شوند و وجود مرزهای دولتی مانعی در برابر انتقال این تهدیدها نیست.

تهدید در سازنده‌گرایی (سازهانگاران)

هر چند در برخی تقسیم‌بندی‌ها، سازنده‌گرایی را جزو نظریه‌های انتقادی قرار می‌دهند، (Manuel Adler، Vol. 3، No. 3، 1997) اما به نظر می‌رسد سازنده‌گرایی اجتماعی وقتی فاصله مشخصی از نظریه‌های انتقادی گرفته و حداقل از نظر روش شناختی، روش نظام‌مند نورنالیسم را پذیرفته است. درحالی‌که رویکردهای عقلانی برای پدیده‌ها ماهیتی مادی و فیزیکی قایل‌اند، سازنده‌گرایی ماهیت پدیده‌ها را ساختی و اجتماعی می‌داند. در عبارت فنی گفته می‌شود هستی‌شناسی رویکردهای عقلانیت‌گرا مادی و هستی‌شناسی سازنده‌گرایی غیر مادی است (Alexander Wendt، 1999). از این منظر دیدگاه اجتماع‌های امنیتی با نظریه صلح دموکراتیک شباهت‌های قابل توجهی دارد. درحالی‌که نظریه‌های انتقادی در مطالعات امنیتی بیشتر به دنبال شناسایی سطوح و انواع تهدیدها هستند، به نظر می‌رسد رویکرد سازنده‌گرایی کانون توجه خود را بر چگونگی مدیریت تهدیدها قرار داده است و در چارچوب مفروض‌های اصلی نظریه

انتقادی، شکل‌گیری یک گفتمان، فرهنگ سیاسی یا اجتماعی مشترک را اصلی‌ترین ابزار مقابله با تهدیداتی می‌داند که متوجه بازیگران است، خواه این بازیگران افراد، گروه‌ها یا جوامع باشند، خواه دولت‌ها. فارغ از نوع بازیگران و انواع تهدیدها، مسئله اصلی این است که بازیگران بتوانند به یک درک مشترک مبنی بر لزوم اجتناب از به‌کارگیری خشونت و زور و جنگ برسند. این درک مشترک در مقابله با تهدیدها به مراتب مؤثرتر از افزایش قدرت نظامی است. به نظر می‌رسد در مورد انواع و سطح تهدیدها، رویکرد سازنده‌گرایی به مفهوم موسع از امنیت که در نظریه انتقادی بررسی شده، پایبند است.

تهدید در مکتب کپنهاک

مکتب کپنهاک برگرفته از نام مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ (COPRI) است که در ۱۹۸۵ تأسیس شد. شاخص‌ترین چهره این مکتب باری بوزان^۲ است که همراه با اولی و یور^۳ آثار قابل توجهی در زمینه امنیت تولید کرده‌اند. این مکتب در جدیدترین آثار خود رویکرد خود را در حد فاصل نورئالیسم و سازنده‌گرایی تعریف می‌کند. باری بوزان چند نوآوری مشخص در مطالعات امنیتی ارائه کرده است. نوآوری نخست به ماهیت ترکیبی امنیت و به تعبیری تجربه امنیت به ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و زیست‌محیطی مربوط است و نوآوری دوم تأکید ویژه بر اهمیت سطح منطقه‌ای در امنیت و تهدیدات است. بوزان در «مردم، دولت‌ها و هراس»، ضمن تقسیم تهدیدات به نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و بررسی ماهیت و ابعاد هر بخش، به نحوه عمل تهدیدها و شاخص‌های درک تهدیدها و شدت آن‌ها می‌پردازد (بوزان، ۱۴۱: ۱۳۷۸-۱۶۸).

از نظر مکتب کپنهاک، تهدیدها در صورتی به حوزه امنیت وارد می‌شوند که تهدید وجودی^۴ تلقی گردند، یعنی بقای سامانه را به خطر اندازند و هم‌چنین به‌طور متعارف و از طریق قانونی قابل

1. Copenhagen Peace Research Institute
2. Barry Buzan
3. Ole Waever
4. Existential Threat

حل و فصل نباشند. در غیر این صورت نباید یک تهدید را امنیتی به حساب آورد (Buzan & Oth-

21-22: 2005، ers). به نظر این مکتب، تهدیدات به پنج حوزه عمده تقسیم می‌شوند:

۱- تهدیدهای نظامی که موجودیت و بقای یک جمع (گروه، جامعه یا دولت) را هدف قرار می‌دهد. تهدید نظامی ملموس‌ترین و عینی‌ترین شکل تهدید است.

۲- تهدید سیاسی، ثبات سازمانی دولت یا حکومت را هدف قرار می‌دهد. به همین دلیل تهدید سیاسی با تهدید نظامی و سایر تهدیدها ارتباط دارد و می‌تواند مقدمه تهدید نظامی و حتی پیامد آن باشد. همین‌طور بی‌ثباتی سیاسی در اکثر موارد منجر به بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود و ناامنی اقتصادی به وجود می‌آورد.

۳- تهدیدهای اجتماعی، هویت ملی جامعه یا هویت گروه‌های اجتماعی را هدف قرار می‌دهد. هر چند بخش عمده تهدیدهای اجتماعی درون مرزهای ملی اتفاق می‌افتد، گسترش روندهای جهانی باعث ظهور تهدیدهای اجتماعی فراملی یا به تعبیری تهدیدهای فراملی هویتی شده است.

۴- تهدیدهای اقتصادی، به گونه‌ای که هم دولت و هم بازار را هدف قرار می‌دهد، یعنی اگر اقتصاد دولتی باشد، تهدیدهای اقتصادی متوجه دولت است و اگر اقتصاد بازار در یک جامعه حاکم باشد، تهدیدهای اقتصادی بیشتر بازار را هدف قرار می‌دهند، هر چند ممکن است دولت هم برای جلوگیری از تضعیف بنیان‌های اقتصادی خود و پایین آمدن سطح رفاه در جامعه، وارد عمل شود (مکتب کپنهاگ به دلیل ابهام‌های این بخش چندان بر تهدیدهای اقتصادی تأکید نمی‌کند و آن را بیشتر در ترکیب با سایر ابعاد امنیت، تهدید تلقی می‌کند).

۵- تهدیدات زیست‌محیطی که طیف بسیار متنوع را شامل می‌شود، در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پراکنده شده‌اند. مثلاً افزایش دمای کره زمین تهدیدی بین‌المللی علیه همه دولت‌ها و جوامع است. همین‌طور تخریب لایه اُزن و پدیده گلخانه‌ای جزو تهدیداتی است که همه انبای بشر را تهدید می‌کند و به همین دلیل برای مقابله با آن‌ها راه حل‌های جهانی لازم است.

نکته بسیار کلیدی در مورد این پنج بُعد تهدید این است که هیچ کدام از آن‌ها در انزوا و جدای از یک‌دیگر عمل نمی‌کنند. در این دیدگاه فرض می‌شود کشورها در هر سطحی که کنار یک‌دیگر قرار بگیرند، رفتارهای مشخص و معینی از خود بروز می‌دهند. مناطق هر چند کوچک‌تر از نظام‌های جهانی‌اند، اما همانند آن‌ها می‌باشند. منطقه یک اصطلاح است و متضمن هیچ‌گونه معنا و مفهوم تحلیلی نیست (دیوید لیک و پاتریک مورگان، ۲۳: ۱۳۸۱-۲۱).

آنچه از نظر تحلیلی حایز اهمیت است، شناسایی و تفکیک تهدیدها سطح منطقه‌ای از تهدیدات سایر سطوح است؛ هر چند ممکن است در مواردی متغیرهای منطقه‌ای کم‌اهمیت‌تر از متغیرهای سطح بین‌المللی باشند. وقتی از اهمیت تهدیدهای منطقه‌ای یاد می‌شود به معنای آن نیست که در همه مناطق، سطح منطقه‌ای همواره موثرتر و مهم‌تر از سطح داخلی یا بین‌المللی است. هدف اصلی، تفکیک سطوح و تأثیرگذاری آنهاست که کار تحلیل را ساده‌تر می‌کند (Buzan & Others, 2005: 9-10).

تهدید در نظریه جهان سوم

تنوع تهدیدهای موجود در میان کشورهای در حال توسعه آن اندازه چشم‌گیر است که گاه تحلیل‌گران را نسبت به امکان ارایه یک نظریه عام در مورد مسائل امنیتی جهان سوم ناامید می‌کند. فقر، مواد مخدر، سیل، مهاجرت، جنگ‌های فرقه‌ای، قبیله‌ای، تجارت تسلیحاتی، محیط زیست، ایدز، تجارت جنسی، بنیادگرایی مذهبی، تأمل آب آشامیدنی سالم و مثال‌های متعدد، گویای تنوع تهدیدهای موجود در میان کشورهای در حال توسعه است. به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران منشأ این تهدیدها، آسیب‌های سرزمینی، ساختاری و نهادی موجود در این دولت‌ها می‌باشد (تریف، ۱۳۸۳: ۴۳).

علاوه بر این تنوع، در جهان سوم با معضل دولت نیز مواجه هستیم. دولت توانایی دفاع از خود را ندارد و همسایگان در تلاش برای دخالت در امور داخلی آن می‌باشند و این در حالی است که این کشور با مشکلاتی نظیر فقر، بیکاری و اختلاف‌های داخلی دست به گریبان است. به‌طور کلی بحران مشروعیت سیاسی و بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی، محیط امنیتی کشورها را آماده تهدید خارجی می‌کند (آزر و مون، ۹۳: ۱۳۷۹).

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت مشکلات امنیتی و تهدیدها در جهان سوم سه دسته‌اند:

- ۱- مشکلاتی که ریشه در ماهیت در حال توسعه بودن دارد.
 - ۲- مشکلاتی که سایر دولت‌های جهان هم با آن مواجه‌اند که در بحث عقلانیت‌گرایی بدان‌ها اشاره شد.
 - ۳- مشکلاتی که ریشه در ارتباط و تعامل دولت‌های جهان سوم با سایر دولت‌ها دارد.
- به‌علاوه در اغلب کشورهای جهان سوم شاهد درهم‌تنیدگی مشکلات و تهدیدهای امنیتی

هستیم و این ویژگی تقریباً در مورد همه کشورهای در حال توسعه صادق است و پیوند میان ابعاد گوناگون آن این پیچیدگی را بیشتر می‌کند. سطوح داخلی و خارجی امنیت ملی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و این امر در آسیب‌پذیری و نفوذپذیری اغلب سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی در حال توسعه نمود پیدا می‌کند. آسیب‌پذیری مذکور به‌خاطر این واقعیت تشدید می‌شود که بسیاری از دولت‌های در حال توسعه هنوز از بحران تعریف خود و مشکلات آن رنج می‌برند و این در حالی است که در جهان توسعه یافته، مفهوم دولت - ملت جای خود را به مفاهیم دیگر می‌دهد. وضعیت آن موجود سیاسی در جهان سوم که نه ملت و نه دولت است، در بهترین حالت وضعیتی است نامعلوم و متزلزل.

امروز قضاوت در مورد عملکرد دولت‌های در حال توسعه در زمینه محیط‌زیست، حقوق بشر، دموکراسی، فعالیت‌های صنعتی و مواردی نظیر این‌ها غالباً از یک چشم‌انداز غربی صورت می‌گیرد و دولت‌های توسعه یافته غالباً تمایل دارند هنجارهای خود را در موارد مختلف به دولت‌های در حال توسعه بقبولانند.

تهدیدهای ناشی از روابط دولت‌های در حال توسعه با دولت‌های توسعه یافته را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- تهدیدهای ناشی از تحمل ارزش‌های جهان توسعه یافته بر جهان در حال توسعه
- تهدیدهای ناشی از الزامات قانونی و حقوقی معاهدات بین‌المللی در زمینه‌های مختلف
- تهدیدهای ناشی از نپذیرفتن هژمونی یک قدرت بزرگ یا ابر قدرت
- بنابر شرحی که گذشت، منابع و ویژگی‌های تهدیدها از دیدگاه مکاتب عقلانیت‌گرایی (رنالیسم و لیبرالیسم)، انتقادی، سازنده‌گرایی، جهان سوم و نابرابری، لیبرالیسم را می‌توان به شرح جداول تطبیقی بیان داشت:

جدول شماره ۱: تهدید در نظریه‌های امنیتی

روش تحصیل امنیت	اندازه گیری تهدید		ماهیت تهدید		ابزار اعمال تهدید		انواع تهدید						نقش جایگاه تهدید	نظریه‌های امنیتی
	فردی	سازمانی	فردی	سازمانی	فردی	سازمانی	فردی	سازمانی	سیاسی	دانشی	خارجی	دولتی		
انزایش حکمت نظامی														رتالیست‌ها
مدیریت تهدیدها														انتظامی
ایجادگفت‌وگو، فرهنگ و اجتماع مشترک														سازمان‌گاران
غیر امنیتی کردن مشروطیت، موازنه‌سازی و بازنگری														کینه‌هاک
تفرقه‌اندازی، میانسازی														جهان سوم
صلح پایدار														لیبرالیسم

جدول شماره ۲: تهدید در نظریه‌های امنیتی

منبع تهدید	وزگی تهدید							مرجع امنیتی			نظریه‌های امنیتی								
	دولت	نظام بین‌الملل	جامعه	بازرگان متغیر	مجمد	عینی بودن	مستتر بودن	سرزمنی بودن	جامعه محور	دولت محور		مناقله محور	تفسیری بودن	دولت	جامعه	چند ساحتی	تناسب یا تهدید	مجمد	حالات
رتابم																			
لیرابم																			
نظدی																			
سارمانگاران																			
کپهایک																			
جهان سوم																			

تهدید در گفتمان متعالیه

در بخش‌های قبلی تعاریفی از تهدید و تهدید امنیتی از منظر نظریه پردازان و کارشناسان این حوزه ارائه شد اما باید اشاره نمود یکی از مشکلات مهم بحث امنیت، تعیین مفهوم امنیت است. مفهوم امنیت نیز نزد هر فرد، ملت، مکتب و قومی برابری ندارد. برای فهم آن‌ها از این عناصر است:

- ۱- ارزش‌های حیاتی و فلسفه آفرینش ۲- آگاهی از داشته‌ها و محرومیت‌ها ۳- آگاهی از تهدیدات و نقاط ضعف ۴- آگاهی از فرصت‌ها و نقاط قوت.

براین اساس با اینکه امنیتِ جان برای انسان‌ها مهم است، بسیاری از آن‌ها برای حفظ ارزش‌های دیگر نظیر وطن یا حفظ دین جانشان را فدا می‌کنند. در واقع فلسفه آفرینش در اندیشه فرد یا ملت یا قومی در تعیین ارزش‌های حیاتی برای هر یک از مراجع امنیت نقش اساسی ایفا می‌کند؛ از این رو فلسفه آفرینش با فلسفه امنیت پیوند می‌خورد (لک‌زایی، ۱۳۹۹: ۴۶). مفهوم متعالیه اشاره به مبنای فلسفی مکتب امنیتی اسلام دارد و هم به مبنای قرآنی «تَعَالَوْا اِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ» (آل عمران / ۶۴) یعنی کلمه توحید که امنیت در آن است؛ زیرا خداوند امنیت بخش و مؤمن است و هر کس به خدا متوسل شود، امنیت دارد و برای دیگران نیز به‌درجاتی تولید امنیت می‌کند (لک‌زایی، ۱۳۹۹: ۱۹).



در هر سنت مطالعاتی، از منظر روش شناختی، دو پرسش اصلی مطرح می‌شود: یکی اینکه عالمان هر سنت مطالعاتی در تولید مکتب یا دیدگاه و نظریه امنیتی خود از چه روشی یا روش‌هایی استفاده کرده‌اند؟ دو اینکه برای فهم نظرهایی که دانشمندان مسلمان در حوزه مباحث امنیتی تولید کرده‌اند از چه روش‌هایی بهره ببریم؟

روش‌شناسی رویکردهای دانشی امنیت متعالیه در علوم اسلامی

۱- روش‌شناسی مطالعات امنیتی- فلسفی: در این سنت مطالعاتی امنیت به‌مثابه «فضیلت» ثمره اصلی این سنت مطالعاتی است که در آثار فیلسوفان مسلمان از فارابی تا امام خمینی تبیین شده است.

۲- روش‌شناسی مطالعات امنیتی- کلامی: در این سنت مطالعاتی، امنیت به‌مثابه «دیانت و تقید به مذهب» خروجی اصلی این سنت مطالعاتی است که در آثار متکلمان از شیخ مفید تا کنون تبیین شده است.

۳- روش‌شناسی مطالعاتی امنیتی- عرفانی: امنیت به‌مثابه «توحید» خروجی اصلی این سنت مطالعاتی می‌باشد که در آثار عارفان مسلمان از ابن عربی تا امام خمینی تبیین شده است.

۴- روش‌شناسی مطالعات امنیتی- قرآنی: در این سنت مطالعاتی، امنیت به‌مثابه «ایمان و عدالت» خروجی اصلی آن است که در آثار مفسران قرآن از طبرسی تا آیت الله جوادی آملی تبیین شده است.

۵- روش‌شناسی مطالعات امنیتی- حدیثی: در این سنت مطالعاتی، از فهم اختصاصی و روش فهم مشترک استفاده می‌شود. عهدنامه مالک اشتر، رساله حقوق امام سجاد(ع) و جنود عقل و جهل نمونه‌هایی برای این رویکرد است.

۶- روش‌شناسی مطالعات امنیتی- فقهی: امنیت به‌مثابه «شریعت و عدالت» خروجی اصلی این سنت مطالعاتی است که در آثار فقهای مسلمان از شیخ طوسی تا امام خمینی تبیین شده است. نظام سیاسی عدالت‌محور ضامن تحقق چنین امنیتی است.

۷- روش‌شناسی مطالعات امنیتی- اخلاقی: در این سنت مطالعاتی، امنیت به‌مثابه «فضیلت» می‌باشد که در آثار علمای اخلاق از ابن مسکویه رازی تا امام خمینی تبیین شده است.

۸- روش‌شناسی مطالعات امنیتی با رویکرد تجربی- سیاست‌نامه‌ای: امنیت به‌مثابه بقای

«دولت و حفظ قدرت» خروجی اصلی این سنت مطالعاتی است که در آثار سیاست‌نامه نویسان مسلمان از خواجه نظام الملک طوسی تا محقق سبزواری تبیین شده است.

۹- روش‌شناسی مطالعات امنیتی با رویکرد تاریخ اسلام و سیره امنیتی معصومان(ع): در این سنت مطالعاتی، روش تولید دانش امنیتی، نقلی، عقلی و تحلیلی مبتنی بر فلسفه تاریخ هر مورخ است. صحیفه مدینه، الارشاد شیخ مفید، تاریخ طبری، تجارب‌الامم و مقدمه ابن خلدون نمونه‌هایی برای این سنت مطالعاتی است.

۱۰- روش‌شناسی مطالعات امنیتی با رویکرد ادبی: روش تولید دانش امنیتی با رویکرد ادبی و تخیل، استعاره، تشبیه و... است. شاهنامه فردوسی، کلیه و دمنه و آثار سعدی و عبید زاکانی و نسیم شمال نمونه‌های این سنت مطالعاتی هستند (لک‌زایی، ۱۳۹۹: ۲۸-۳۶).

جدول شماره ۳: مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های پاسخ‌گویی علوم اسلامی به پرسش‌های امنیت متعالیه

مرجع امنیت	اهداف تولید امنیت	آسیب‌ها و تهدیدها	ابزارهای تأمین امنیت	کارگزاران و نهادهای تأمین‌کننده امنیت	محیط‌شناسی امنیتی	قلمرو امنیت	هستی‌شناسی امنیت	رویکرد دانشی
سعدت قصوی	سعدت دنیوی و اخروی	جهل، فسق، ضلالت	گسترش عقلانیت و فضیلت و عدالت و شریعت: نرم افزایی	خدا، دولت فاضله	پیچیده و چندلایه	معنوی و باطنی و ظاهری: همه ابعاد، سطوح و ساحات امنیت	طبیعی، فتری، اعتباری	فلسفی
نبی، امام، ولی	ترویج و گسترش عقاید صحیح	اندیشه‌ها و افکار دشمنان	مناظره، جدل: نرم‌افزایی	نبی، امام، نایب امام	اعتقادی، اعتقادی- سیاسی	امنیت اعتقادی	ذهنی	کلامی
حضرت حق	گسترش توحید و تربیت موحد	شرک	نرم‌افزایی	خدا، موحد	باطنی	باطنی	شهودی	عرفانی
اسلام	قرب الهی	اپلیس، طاغوت، منافقان، فاسقان، ظالمین، کفار ... و	نرم‌افزایی و سخت‌افزایی: جهاد کبیر و قتال و ...	خدا، نبی، اولوالامر	دینی و جغرافیایی	معنوی و باطنی و ظاهری: همه ابعاد، سطوح و انواع امنیت	ذهنی و عینی	تفسیری

حدیثی	ذهنی و عینی	مادی، باطنی و ظاهری: همه ابعاد، سطوح و انواع امنیت	خدا، نبی، اولوالامر	نرم افزاری، سخت افزاری: جهاد اکبر و اصغر و افضل و ...	قاسطین، ناکتین، مارقین، قاعدین، بغات، محاربین، خوارج، دشمنان دیگر	قرب الهی	اسلام
فقهی	حکم وضعی / قراردادی	سطوح ظاهری و عینی: امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ملی، جهانی و ...	ترسیم جغرافیا با رنگ غالباً دینی: دارالاسلام، دارالکفر، دارالشکر، دارالعهد و ...	فقیه، فقهای جامع الشرایط، نایب امام، دولت اسلامی، آحاد مردم مسلمان	شرعی، قانونی، حقوقی، فقه امنیت = قانون، امنیت، مجموعه‌ای از ابزارهای سخت و نرم، از جهاد و تقیه تا قضا و حکومت و ...	ترک شریعت، تعدی، ارهاب، بغی، محاربه، خروج و ...	اسلام با تفاسیر مختلف: اجرای شریعت یا اقامه حکومت عدل
اخلاقی	فطری، محصول فضایل	امنیت اخلاقی، اجتماعی، روانی، معنوی و ظاهری	انسان کامل	تهذیب نفس، موعظه	رذایل	نشاندن فضایل به جای رذایل	ارزش‌های اخلاقی: بعث لائمه مکارم الاخلاق
سیاست نامه‌ای	عینی	ظاهری، امنیت ملی	جغرافیایی	قدرت نظامی	حمله نظامی خارجی، توطئه داخلی، قتل حاکم	دوام حکومت، حفاظت از قلمرو، گسترش قلمرو، جمع آوری خراج	حاکم، دولت

تهدید در قرآن

تهدید، به معنای ترسانیدن (الصَّحاح، ج ۲، ص ۵۵۶، «هدد»). و به لرزه درآوردن با وعید است (مفردات الفاظ قرآن کریم: ۸۳۴، «هدد»). واژه «هدد» در اصل به معنای صدای وحشت‌زا هم چون صدای ریختن دیوار و صدای گام‌های شدید محکم لرزه افکن است. کسی که تهدید می‌کند، ترس و وحشت را در جان مخاطب می‌افکند و شنونده را به لرزه در می‌آورد.

در زبان عربی و فرهنگ قرآنی، واژگان دیگری چون «انذار» برای ترساندن به کار رفته است؛ اما فرق ظریفی میان این واژگان است و آن اینکه در انذار، اخبار و ابلاغ همراه با بیم و ترسانیدن از

چیزی است که فرصت برای پرهیز و احتراز از آن وجود دارد (مجمع البیان، ج ۱-۲: ۱۲۶)، ولی تهدید اعم از آن است؛ پس ممکن است که شخص فرصتی برای پرهیز و یا فرار نداشته باشد.

در آیات قرآن از واژه‌های «تربص»، «مرصاد»، «وعید» و جمله‌هایی همانند «لَئِنْ لَمْ تَنْتَه لِرُجْمَانِكَ»، «وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ»، «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ»، «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» و «لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» برای این مفهوم از تهدید استفاده شده است.

قرآن کریم جامعه‌عاری از تهدید و بیم را نعمتی الهی می‌داند که با ریشه‌کنی عوامل تهدید و پیروزی مومنان محقق شد: «وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ»

جامعه بی تهدید در قرآن

امنیت مکه را نیز نعمتی الهی می‌شمارد که بیشتر مردم از آن ناآگاه‌اند:

«وَأَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

و جامعه تهی از تهدید و ترس را به مؤمنان صالح وعده می‌دهد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلِيَبَدِّلَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»

در آیه ۱۱۲ سوره نحل از مردمی یاد شده است که در پرتو لطف الهی از شهری امن و بدون ترس و نعمت‌های فراوان برخوردار بودند؛ ولی بر اثر ناسپاسی با گرسنگی و ترس کیفر شدند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ».

در شماری از آیات، خداوند ایمنی مردم مکه از ترس و تهدید را به خود نسبت می‌دهد:

«الَّذِي... وَءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ».

شیطان

در برابر این موهبت الهی یعنی نبود تهدید، شیطان به هراس افکنی می‌پردازد: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» و با ترویج حق‌گریزی، فساد، دشمنی و خدا فراموشی امنیت را در عرصه‌های مختلف تهدید می‌کند.

مفاسد اخلاق

قرآن با آموزه‌های خود زمینه امنیت جانی، مالی و عرضی آحاد جامعه را فراهم ساخته که نقطه مقابل تهدید است. قرآن از یک سو با دستورات اخلاقی هم چون نهی از تمسخر، عیب جویی، سوءظن، نجوا، نهادن نام‌های زشت بر دیگران، تجسس، غیبت و تهمت آبروی مؤمنان را از هر گونه تعرض و خدشه حفظ و زمینه سلامت جامعه از تهدیدهای عرضی را فراهم می‌کند.

خداوند در آیه ۵۵ سوره نور، به کسانی که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند نوید امنیت و از میان رفتن تمامی اسباب خوف و وحشت را می‌دهد و در آیات دیگر چند عامل عمده را به عنوان عوامل تهدیدکننده امنیت و آفت امان دانسته و ضمن هشدار در این مورد آن‌ها را از جرائم بزرگ ضد بشری بر شمرده است:

فتنه (واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن مجید ۶۰ بار ذکر شده و در معانی گوناگون به کار رفته است؛ گاه به معنای آزمایش و امتحان (عنکبوت، ۲)، گاه به معنای فریب دادن (اعراف، ۲۷)، گاه به معنای گمراهی (مائده، ۴۱) تعدی یا تجاوز به حریم حقوق دیگران (شامل قتل، مسخره کردن، تهمت، تصرف ناحق اموال و ...) افساد و ایجاد بی‌نظمی و اختلال در روابط اجتماعی (بر هم زدن ثبات) (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۱۲).

مفاسد اقتصادی

قرآن با نکوهش انباشت مال، انحصار اقتصادی، اسراف و تبذیر بستر لازم را برای برخورداری همه جامعه از امکانات مالی متناسب فراهم کرده است. طبعاً در جامعه پیراسته از فقر و تبعیض بسیاری از زمینه‌های سرقت و زورگیری و ناامنی اقتصادی منتفی است.

قتل

آیاتی از قرآن نیز با بیان پاره‌ای از احکام فقهی و اخلاقی بر حفظ جان انسان‌ها تأکید ورزیده‌اند؛ در آیه ۱۵۱ سوره انعام کشتن بی‌گناهان را حرام کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»

در آیه ۳۲ سوره مائده قتل انسانی بی‌گناه را همانند قتل همه مردم دانسته، چنان که نجات یک انسان از مرگ را مانند زنده داشتن همه مردم بر شمرده است:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

قرآن با وضع قوانین کیفری و تشریح شدت عمل در مجازات قاتلان سارقان و تهمت زندگان بستر مناسب برای حفظ جان، مال و آبروی آحاد جامعه را پدید آورده است.

فقیهان و مفسران در تبیین مفاد این آیه به تفصیل به موضوع محاربه و کیفر محارب پرداخته‌اند. آنان محاربه را به کشیدن سلاح و ترساندن مردم در هر مکان و زمان تفسیر کرده، دزدی، راهزنی زورگیری و قتل را از مصادیق محاربه برشمرده‌اند: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ...» (سوره نساء، آیه ۹۳)

یعنی هر کس، مؤمنی را عمدتاً بکشد جزای او جهنم است در حالی که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

محارب

اسلام نسبت به محارب^۱ برخورد سخت و خشنی دارد (قتل، به دار آویختن، قطع دست و پا و تبعید) باز به این خاطر است که محارب، امنیت سیاسی و اجتماعی و بلکه فکری و دینی مردم را دچار سستی و تزلزل می‌سازد و جامعه را دچار هرج و مرج می‌گرداند.

قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدُرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره مائده، آیه ۳۴-۳۳)

یعنی کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند (و با تهدید اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) این است که اعدام

۱- در تعریف فقهی محارب آمده است:

«المُحَارِبُ هُوَ كُلُّ مَنْ جَرَّرَ سِلَاحَهُ أَوْ جَهَّزَهُ لِاخْفَافِ النَّاسِ وَارَادَهُ الْإِفْسَادَ فِي الْأَرْضِ فِي بَرِّ كَانْ أَوْ فِي بَحْرٍ، فِي... وَ يَسْتَوِي فِيهِ الذَّكْرُ وَالْأُنْثَى.» (امام خمینی، جلد ۲، فصل ۶، مسأله ۱)

محارب به کسی گفته میشود که سلاح خود را برهنه یا آماده کند تا مردم را بترساند و در زمین افساد و خرابکاری کند چه در خشکی باشد و یا در دریا، چه در شهر باشد و یا غیر آن، چه زن باشد یا مرد. به تعبیر دیگر کسی که از راه اسلحه مردم را تهدید کند و امنیت مردم را در معرض خطر قرار دهد و اغتشاش و اضطراب در میان مردم ایجاد کند، محارب به حساب می‌آید.

شوند و یا به دار آویخته شوند یا دست و پای آنها به عکس یک‌دیگر (دست راست و پای چپ) بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند این رسوایی آنها در دنیا است و در آخرت مجازات بزرگی دارند مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند...

قرآن کریم در زمینه سلب امنیت جانی افراد جامعه و قتل و آدم کشی به یک نکته بسیار مهم اشاره می‌کند و آن این است که قتل یک نفر همانند قتل همه افراد جامعه است، چنان که احیای یک نفر معادل احیای همه انسان‌هاست.

عوامل اساسی و زیربنایی تهدید در قرآن

استکبار

سؤال اساسی این است که استکبار چگونه امنیت جوامع بشری را برهم می‌زند و باعث تهدید می‌شود؟ در پاسخ باید عنوان نمود:

۱- مستکبران با تحقیر مردم، امنیت انسان‌ها را برهم می‌زنند.

«او قوم خود را تحقیر و تحمیق کرد (و عقول آنها را سبک شمرد) و آنها از وی اطاعت کردند. آنها گروهی فاسق بودند (درست است که فرعون گمراه کننده بود ولی گمراه شوندگان نیز صالح نبودند بلکه فاسد و فاسق بودند)» (زخرف / ۵۴) انسان‌های زورگو این کار را می‌کنند و انسان‌های تحقیرپذیر با تحقیر شدن مطیع می‌شوند. در این سوره بیان می‌شود که مردم، مردم فاسقی بوده‌اند که از فرعون حرف شنوی داشته‌اند و تحقیرپذیر بوده‌اند.

۲- قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را از مخاطبان‌شان و از مردم سلب می‌کنند و با ارائه اخبار و اطلاعات خودشان کار خود را پیش می‌برند.

فرعون به مردم می‌گفت جادوگران، نخبگان جامعه هستند و مردم بایستی از ایشان پیروی کنند زیرا جادوگران از هر طریق مطیع فرعون بودند. به همین ترتیب هر آنچه مد نظرش بود به مردم ارائه می‌داد و مردم توان و فهم تجزیه و تحلیل نداشتند.

«موسی با خونسردی در پاسخ گفت: شما اول شروع کنید (شما وسایل جادوی خود را بیفکنید) پس هنگامی که (ساحران طناب و ریسمان‌ها را به وسط میدان) افکندند و مردم را چشم‌بندی کرده (و با اعمال و گفتار اغراق‌آمیز خود) ترس و وحشتی در دل مردم انداختند (با هیاهو یک صحنه

بزرگ درست کردند تا مردم خیالاتی بشوند و بدین وسیله کارشان بگیرد، ایشان به ریسمان‌ها مواد شیمیایی مانند جیوه و امثال آن می‌زدند تا در اثر تابش آفتاب منبسط شود و ریسمان‌ها حرکت کنند و با این حیل‌ها، فضایی ایجاد می‌کردند تا مردم گمان کنند ریسمان‌ها تبدیل به مار شده‌اند و بدین وسیله) سحر بزرگی در برابر آن‌ها انجام دادند» (اعراف / ۱۱۶).

۳- تبلیغات جهت‌دار با پخش دروغ‌های بزرگ تا تشخیص حق و باطل ممکن نشود. «این گونه است که هیچ پیامبری قبل از این‌ها به سوی قومی فرستاده نشد، مگر اینکه گفتند، او جادوگر است یا دیوانه» (ذاریات / ۵۲)

۴- تبلیغ آداب و رسوم جاهلی گذشته ملت‌ها «لذا ما از آن‌ها انتقام گرفتیم و سخت مجازاتشان کردیم (مشرکان مکه نیز همین راه را طی می‌کنند) بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود؟» (زخرف / ۲۵) یکی از کارهای مستکبران و فرعون‌ها امنیت‌زدایی براساس تبلیغ رسوم جاهلی گذشته است.

۵- سرکوب حق‌طلبان با زندان، شکنجه و کشتار «فرعون گفت) سوگند یاد می‌کنم که دست‌ها و پاهای شما را به‌طور مخالف قطع می‌کنم (دست راست با پای چپ و دست چپ با پای راست) سپس همه شمار را به‌دار خواهم آویخت (تا با زجر و شکنجه جان بدهید و مردمی که نظاره‌گر حال شما هستند عبرت بگیرند)» (اعراف / ۱۲۴)

ایجاد اختلاف و دودستگی در بین مردم تا نیروی آنان به تحلیل برود.

«فرعون در زمین برتری جویی (وتکبر) کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود، گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران آن‌ها را سر می‌برید و زنان آن‌ها را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت، او (با این ظلم و جنایت و گناهان بی‌شمار) مسلماً از مفسدان بود» (قصص / ۴)

حاکمیت طاغوت (ولایت طاغوت)

خداوند در قرآن می‌فرماید پادشاهان و طاغوت در هر کشور و هر جایی وارد شوند آن‌جا را به فساد می‌کشاند و عزیزان کشور و شهر را ذلیل می‌کنند و کارشان همین است. «پس (اعمال زشت بدکاران بی‌نتیجه نماند بلکه جواب و سرانجام) بدی اعمال آن‌ها به آن‌ها رسید

(هم در این دنیا و هم در آخرت) و آنچه را (از وعده‌های عذاب الهی) مسخره می‌کردند بر آن‌ها وارد شد» (نحل / ۳۴)

ظلم و تجاوز و ارباب (ترور، رعب و وحشت)

بزرگان و امامان معصوم (علیهم‌السلام) بیان داشته‌اند حکومت‌ها با کفر می‌مانند ولیکن با ظلم دوام نمی‌آورند.

الْمُلْكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ (هاشمیان، ۱۳۹۸).

الگوی امنیتی پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگوی کامل

آیات شریفه متعدد پیامبر اکرم (ص) را الگو و اسوه مسلمانان در ابعاد مختلف زندگی معرفی و بر ضرورت شناخت آن حضرت و اطاعت از ایشان تأکید می‌کند مانند سوره احزاب آیه ۲۱؛ آل عمران آیه ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء آیه ۵۹؛ انفال آیه ۴۶؛ نور آیه ۵۴.

- اصول قرآنی تأمین امنیت در الگوی امنیتی پیامبر (ص)

پیامبر گرامی اسلام (ص) از آغاز بعثت با شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» میان ایمان به خدا و فلاح که امنیت از مشتقات آن است، ارتباط برقرار کردند و دین اسلام و توحید را مرجع امنیت شمردند (لک‌زایی، ۱۳۹۹: ۴۷). رسالت اصلی پیامبر اکرم (ص) تربیت انسان کامل بود. کمال انسان منوط به مبارزه با موانع درونی مثل رذایل اخلاقی و موانع بیرونی استبداد و استکبار است. در حقیقت امنیت متعالیه ثمره تمسک به سیره رسول خدا (ص) در مباحث نظری است (همان، ۶۳) لذا در بررسی اصول قرآنی که الگوی امنیتی پیامبر (ص) می‌باشد محورهای زیر احصا می‌گردد:

۱- صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان (آل عمران / ۶۴)

۲- مبارزه با جنگ افروزان و فتنه‌گران:

(برخورد با یهودیان، مشرکان و منافقان) سوره‌های بقره آیات ۱۹۱ و ۱۹۳ و ۲۱۷؛ انفال آیه ۳۹ و نساء آیه ۷۵ تأکید آیات ضامن تأمین امنیت امت اسلامی در برابر تهدیدات جهانی و تهدیدات سازمان یافته داخلی است.

۳- پرهیز از استبداد و اجبار:

آیات متعددی بر پرهیز حکومت اسلامی از استبداد، اجبار و دیکتاتوری در تأمین امنیت

سیاسی، دینی و اعتقادی امت مسلمان دلالت می‌کنند و چنین اقداماتی را تهدیدی بر امنیت جامعه مسلمانان می‌دانند. سوره یونس آیه ۹۹ و بقره آیه ۲۵۶.

۴- ظلم ستیزی:

امعان نظر آیات شریفه مبین این است که کلید اصلی تأمین امنیت ظلم ستیزی است و آلودگی به ظلم نابود کننده امنیت است. سوره انعام آیه ۸۲ و نساء آیه ۱۴۸.

۵- نهی از اطاعت طاغوت:

سوره بقره آیه ۳۵۷؛ نساء آیات ۵۱ و ۶۰ و ۷۶؛ مائده آیه ۶۰؛ نحل آیه ۳۶؛ زمر آیه ۱۷.

۶- پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان شکنان:

پیمان شکنی مخل امنیت عمومی و جهانی است و وفای به عهد زمینه‌ساز امنیت محسوب می‌شود.

سوره انعام آیه ۱۵۲؛ اعراف آیه ۱۰۲؛ توبه آیات ۴ و ۷ و ۱۲ و ۱۱۱؛ رعد آیات ۲۰ و ۲۵.

۷- پایبندی به قوانین الهی:

نظم عادلانه، امنیت فراگیر را به ارمغان می‌آورد و از آنجایی که فقط قوانین الهی عادلانه

است، نظم مبتنی بر قوانین الهی موجب امنیت می‌شود. سوره یونس آیه... ..؛ احزاب آیه...

... ..؛ بقره آیه ۱۴۵؛ شورا آیه ۱۵.

۸- در آمیختن نرمش و قاطعیت:

در تعالیم اسلامی نرمش و صلح‌طلبی توأم با قاطعیت مورد تأکید می‌باشد و از صلح‌طلبی

غیرمنطقی بر حذر داشته است. سوره توبه آیه ۷۳ و فتح آیه ۲۹.

۹- برقراری عدل و قسط: سوره حدید آیه ۲۵ و بقره آیه ۱۲۴.

۱۰- انفاق و رسیدگی به فقیران و محرومان:

فقر و محرومیت از عوامل تهدید کننده امنیت محسوب می‌شود. فلذا تأمین امنیت اقتصادی در جامعه

علاوه بر حوزه اقتصادی زمینه‌ساز تأمین ابعاد دیگر امنیت است. سوره بقره آیه ۲۵۴. (همان، ۴۸-۶۳)

تهدید در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

نکته شایان ذکر است که در آثار امام خمینی فصل مستقلی به امنیت اختصاص نیافته

است، بلکه در همه آثار ایشان می‌توان مباحث امنیتی را ردیابی کرد، نکته قابل توجه دیگر

اینکه امنیت، چون هم علم است و هم مکتب، به عبارت دیگر هم وجوه تجربی دارد و

هم وجوه هنجاری و فلسفی و ارزشی، این مسئله در پژوهش امنیت از منظر امام خمینی مطرح است که ایشان به کدام‌یک از این دو بخش پاسخ می‌دهند. لذا فرض بر این است که امام خمینی به پرسش‌های مربوط به امنیت به‌مثابه یک مکتب پاسخ داده‌اند، هر چند این تفکیک با نگرش‌های جدید سازگار است و در نگاه معرفت‌شناختی امام خمینی به رسمیت شناخته نشده است؛ از این‌رو لازم است در استنباط مکتب امنیتی امام خمینی به مکتب عرفانی، فلسفی، کلامی، اخلاقی و فقهی ایشان اشراف و توجه داشته باشیم. فرضیه‌ای که در اینجا مد نظر است، اینکه مکتب امام خمینی به تبع مکتب فلسفی ایشان مکتب امنیتی متعالیه است (همان، ۱۳۴).

لایه‌های امنیت

امام خمینی برای انسان سه شأن و مرتبه عقلی، قلبی و ظاهری قائل است (امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل: ۳۸۶). در سیره امام خمینی سه نوع تربیت و امنیت را می‌توان استنباط کرد (صحیفه امام؛ ج ۴: ۱۷۷). نخست سطح عقلی، اعتقادی، فلسفی و کلامی (حوزه باورها)؛ دوم سطح قلبی و اخلاقی (حوزه گرایش‌ها)؛ سوم سطح ظاهری و فقهی و مادی (حوزه رفتارها). طبیعتاً ناامنی‌ها و تهدیدات نیز با همین سه سطح تعریف می‌شود: الف) تهدیدات مربوط به حوزه باورها؛ ب) تهدیدات مربوط به حوزه گرایش‌ها؛ ج) تهدیدات مربوط به حوزه رفتارها.

انواع امنیت

پر تکرارترین و متنوع‌ترین مباحث امنیتی امام خمینی را شاید بتوان در همین حوزه شناسایی کرد که به برخی از موارد آن در زیر اشاره می‌شود:

الف) امنیتی سیاسی

بخشی از مبارزات امام خمینی در جهت رفع و دفع تهدیدات امنیت سیاسی ایرانیان و حتی غیر ایرانیان نظیر مبارزه با استبداد، دیکتاتوری، طاغوت، حاکمان جائر، نظام سلطنتی، حکومت‌های وابسته و وابستگی بوده است. در مقابل ایشان از ارزش‌هایی چون آزادی، مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، انتخابات آزاد، تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی و حمایت از استقلال نظام‌های سیاسی دفاع کرده است.

وابستگی کارگزاران به شرق و غرب:

«این اشخاص که انقلابی نیستند باید در رأس و وزارتخانه‌ها نباشند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۵). «مردم را توجه بدهید به اینکه شما می‌خواهید اسلام را حفظ کنید. باید منتخبان شما اشخاصی باشند که توجه به اسلام داشته باشند، متعهد به اسلام باشند، بازیگر نباشند، به شرق و غرب توجه نداشته باشند» (همان، ج ۱۸: ۳۳۵).

«در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولت‌مردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشته کشور ما حکومت کنند» (وصیت‌نامه ۱۳۶۸: ۴۰-۳۹).

حکومت بر بدن‌ها نه قلب‌ها:

«حکومت بر قلوب یک حکومت شیرین است، برخلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آن‌ها نباشد» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۷۹).

کاخ نشینی و رفاه‌زدگی مسئولان:

«بترسید که اگر خدای نخواستہ یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالایی که من نخست وزیر، رئیس جمهور، وزیر کذا هستم باید چه و چه باشم، آن وقت بدانید که آسیب می‌بینید آن وقت است که خارجی‌ها به شما طمع می‌کنند» (همان، ج ۱۶: ۲۶۵). «آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند، خدای نخواستہ و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم» (همان، ج ۱۷: ۳۷۶).

بی تفاوتی سیاسی، انفعال و کاهش حضور مردمی در انتخابات:

«مردم هم خودشان مکلف‌اند به اینکه هم شرکت کنند در انتخابات، نروند کنار، تکلیف است، حفظ اسلام است، رفتن کنار خلاف تکلیف است، خلاف مصالح اسلام است» (همان، ج ۱۸: ۲۸۶). «ما اگر نظارت نکنیم، یعنی ملت اگر نظارت نکند در امور دولت و مجلس و همه چیز اگر کنار برود، بسپارند دست این‌ها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشند» (همان، ج ۵: ۱۷).

دوگانگی گفتار و کردار مسئولان:

«ما هر چه فریاد بزنیم که ما اسلامی هستیم و جمهوری اسلامی هستیم، لکن وقتی ببینند ما را که در عمل، غیر او هستیم از ما دیگر باور نمی‌کنند» (همان، ج ۱۳: ۴۸۸).

تضعیف ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی:

«شما باید توجه داشته باشید که هر قشری که یک کشور تضعیف بشود، هر شخصی که در یک کشور مسئول کاری است، تضعیف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت هست تضعیف بشود، این تضعیف، تضعیف همه هست و این انتحار است» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۵۱).

اجتناب از انحصارگرایی صنفی در مسائل سیاسی:

«آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آن‌ها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده، حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است، یعنی در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند باقی‌شان بروند سراغ کارشان یعنی مردم بروند سراغ کارشان هیچ کار به مسائل اجتماعی نداشته باشند و چند نفر پیرمرد و مُلابیانند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران» (همان، ج ۱۸: ۳۶۸).

تفاوت بین رأی توده‌ها با رأی خواص و نخبگان:

«هیچ کس در انتخابات بر دیگری مقدم نیست، همه افراد ملت یک جور هستند در انتخابات. یعنی همان آدمی که یک کار کوچکی انجام می‌دهد با آن کسی که در رأس همه امور هست، در باب انتخابات هیچ با هم فرقی ندارند. این یک رأی دارد آن هم یک رأی دارد» (همان، ۳۸۰).

بی‌ثباتی سیاسی و اختلاف داخلی:

«من باز تأکید می‌کنم که اگر سران با هم خوب باشند این کشور صدمه نمی‌بیند و اگر صدمه‌ای این کشور ببیند از اختلاف سران است» (همان، ۳۸). «آن روزی ما از بین خواهیم رفت که این دست‌ها از بین هم بیرون برود این به او بد بگوید او به او بد بگوید او اشکال به او کند، او اشکال به او بکند» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۸۲).

کناره‌گیری، ضعف و تضعیف روحانیت:

«تا اسلام تضعیف نشود، روحانیت تضعیف نشود از بین نرود، نمی‌توانند این‌ها کارهایشان را بکنند و لهذا از اولی که رضاخان آمد به سرکار تا آخر در صدد این بودند» (همان، ج ۱۶: ۱۲۲). «تمام قشرهای ملت توجه بکنند که جریان‌هایی در کار است که روحانین را در چشم مردم یک نحو دیگری جلوه بدهند و مردم را از روحانیت جدا کنند و دانشگاه را از روحانیون جدا کنند و مقاصد خودشان را انجام بدهند» (همان، ج ۱۴: ۱۸۷).

آسیب رساندن به انقلاب با استفاده از نیروهای داخلی:

«از خارج نترسید تا داخل یک آسیبی نیند- از خارج نباید ترسید. از داخل بترسید» (همان، ج ۱۲: ۹۵).

قانون گریزی:

«همه‌تان روی مرز قانون عمل نکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل نکنید اختلاف دیگر پیش نمی‌آید» (همان، ج ۱۴: ۳۷۸).

خوش بینی به ابر قدرت‌ها:

«ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمن و فریب ابر قدرت‌ها با خود بگذارند، مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن‌را مشاهده و لمس و باور نمایند» (همان، ج ۲۱: ۸).

دولت آمریکا:

«دولت آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوشش فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است» (همان، ج ۱۳: ۲۱).

کاهش مشارکت سیاسی:

شرکت در انتخابات یک تکلیف با هدف حفظ اسلام است. کاهش مشارکت ممکن است نتیجه آن سست شدن پایه‌های جمهوری باشد. از سوی دیگر مشارکت روحانیون در سیاست در کنار لزوم مشارکت غیر روحانیون در سیاست یک ضرورت است.

ب) امنیت فرهنگی:

از نظر امام خمینی، اسلام محور تعریف امنیت و تهدیدات فرهنگی است. در واقع شناخت اسلام و عمل به اسلام امنیت فرهنگی را به ارمغان می‌آورد. تأکید ایشان بر اسلامی شدن صداوسیما، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، در کنار تأکید بر رسالت حوزه‌های علمیه در معرفی اسلام به‌مثابه یک مکتب زندگی در همین جهت بوده است.

ج) امنیت اجتماعی:

حفاظت از نهاد خانواده، تأکید بر عدالت اجتماعی، لزوم امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و مبارزه با موانع کمال از محورهای مورد توجه امام خمینی در امنیت اجتماعی است.

د) امنیت اقتصادی:

از منظر امام خمینی، عقب‌ماندگی اقتصادی، عدم استفاده از ثروت‌ها و منابع ملی و وابستگی

اقتصادی کشورهای اسلامی به کشورهای سلطه‌گر و استعماری مهم‌ترین تهدیدهای امنیت اقتصادی محسوب می‌شود.

وابستگی:

وابستگی دانشگاه‌ها به بیگانگان خصوصاً غربی‌ها، آخوندهای وابسته، روشنفکران وابسته و وابستگی اقتصادی به بیگانگان به ترتیب با تعابیری مانند خطرش از بمب خوشه‌ای بالاتر است (دانشگاه)، از ساواکی برای اسلام و جمهوری اسلامی ایران خطرناک‌تر است (آخوند وابسته)، صدمه بی‌بدیل ایران (روشنفکران)، اسارت ملت (وابستگی اقتصادی) معرفی گشته‌اند.

ه) امنیت جهان اسلام:

وابستگی کشورهای اسلامی به نظام سلطه، تأسیس رژیم غاصب صهیونیستی در قلب جهان اسلام، اشغال سرزمین‌های اسلامی، حکومت‌های وابسته و غیر مردمی و تفرقه امت اسلامی که بر اثر قرائت آمریکایی از اسلام پدید آمده، مهم‌ترین تهدیدات جهان اسلام از جمله علل و عوامل مهم انحطاط امنیتی جهان اسلام به شمار می‌رود. به اعتقاد امام خمینی، یگانه راه خروج از این انحطاط امنیتی بازگشت به اسلام است؛ چراکه بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) در خود مبارزه با وابستگی، استبداد و تفرقه و اشغالگری و رفع همه موانع کمال را دارد.

و) امنیت جهانی:

به نظر امام خمینی، نظام سلطه به رهبری شیطان بزرگ مهم‌ترین تهدید برای امنیت جهانی است. راه حل دفع این تهدید آگاهی مستضعفان جهان، گسترش اسلام ناب محمدی در میان مسلمانان، اتحاد مسلمانان و مستضعفان، تشکیل بسیج جهانی مستضعفان جهان و مبارزه با ظلم نظام سلطه است (امام خمینی، صحیفه؛ ج ۱۰، ص ۲۴۳).

سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی:

«اصلاً مجامع بین‌المللی لفظی است در خدمت قدرت‌های بزرگ نه به خدمت مظلومان و محرومان» (همان، ج ۱۸: ۴۸).

تهدید از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

محور و نقطه کانونی تهدیدشناسی در ابعاد مختلف از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را می‌توان در ابعاد؛ فردی، سازمانی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبیین نمود.

جدول شماره ۴- تهدید از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

تهدید از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)																									
حوزه بیرونی							حوزه درونی																		
بین‌المللی			منطقه‌ای				سازمانی				فردی														
توطئه دشمن	تهدید گریزی	عملکرد	خصوصیات	سیاست‌ها	برنامه	اهداف	واقعیت‌های	صحنه‌های	فرصت‌ها	شناخت تهدید	بهره‌گیری از	برنامه درونی	طراحی	واقعیتی	ذهن خوانی	تحلیل	پیش‌بینی	مطلق	رفتار	ابزار	اهداف	هوشیاری	شناخت دشمن	اعتماد به خدا	توکل



برابر جدول شماره ۴ با بهره‌گیری از نظرات و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، شناخت تهدیدها به دو حوزه کلی درونی و بیرونی تقسیم می‌شود: در حوزه درونی؛ ابعاد فردی و سازمانی و در حوزه بیرونی؛ ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی احصا شده است.

حوزه درونی

بعد فردی مهم‌ترین شاخص‌های شناخت تهدید شامل؛ توکل و اعتماد به خدا، شناخت، دشمن شناسی، و هوشیاری می‌باشند. بعد سازمانی نیز مهم‌ترین شاخص‌های تهدید مبتنی بر شناخت دشمن شامل؛ اهداف، ابزار، رفتار، منطق، پیش‌بینی، تحلیل، ذهن خوانی، و واقع بینی همراه با طراحی، برنامه‌ریزی با بهره‌گیری از ظرفیت ملت، متمرکز است.

حوزه بیرونی

بعد منطقه‌ای اصلی‌ترین شاخص‌های آن‌ها بر موضوع شناخت تهدید بر زمینه‌ها و فرصت‌ها هم‌چنین صحنه‌های درگیری، وضعیت کشورهای مورد تهاجم و زمینه‌های ایجاد اختلاف متمرکز هستند.

بعد بین‌المللی نیز تأمل شاخص‌های شناخت تهدید مبتنی بر واقعیت‌های جهانی، اهداف، برنامه‌ها، سیاست‌ها، خصوصیات، عملکرد، جهت‌گیری و شیوه‌های متداول و توطئه‌های دشمن (همیشگی و مختلف بودن تهدید) محسوب می‌گردند.

با توجه به منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، تهدیدشناسی مستلزم توکل و اعتماد به خدا و پس از آن شناخت در ابعاد فردی، سازمانی، منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ زیرا شناخت درست باعث می‌شود که امکان تشخیص به موقع بایدها، نبایدها، الزام‌ها، اولویت‌ها، امکانات

و ظرفیت‌ها را در حوزه تهدیدها برای افراد جامعه، مسئولان و مجریان حوزه امنیت فراهم نماید؛ بنابراین این مهم و نگاه همیشگی به تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) همواره باید از سوی ملت، مدیران، مسئولان و تحلیل‌گران امنیت کشور مورد توجه قرار گیرد تا امنیت در کشور برقرار و تهدیدها به موقع شناسایی و مدیریت گردند.

برخی از مصادیق تهدید که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این خصوص بیان شده به شرح ذیل است:

اسلام‌زدایی از ایده (ایدئولوژی) حاکمیت:

تهدید علیه اسلامی نگاه داشتن انقلاب از جمله تهدیدات دائمی است که با استفاده از شیوه‌های مختلف مانند استحاله کردن و یا حذف فیزیکی عمل می‌گردد.

تضعیف ایمان و معنویت مردم:

تخریب ایمان و باورهای کارساز مردم هدف دشمنان است و از آن‌جا که مردم مؤمن و فداکار عامل پیروزی اسلام و ملت ایران هستند، دشمنان می‌خواهند این عامل را از بین ببرند. از بین رفتن روح ایمان و تمسک به اسلام در ملت ایران در حقیقت باعث سست شدن پایه‌های استقلال ملت می‌گردد (حدیث ولایت، ج ۷: ۱۰۹).

ناامید کردن مردم: بیشترین تلاش جبهه سیاسی ابتکار ناامیدسازی ملت ایران است (همان، ج ۶: ۱۵۴). از سوی دیگر بی‌اعتماد کردن و مأیوس کردن مردم از خودشان نیز از اهداف آنان است (معاونت آموزشی عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۱). این کار را از طریق کوچک‌سازی دستاوردهای ملت و نادیده‌انگاری پیشرفت‌های ملت به انجام می‌رساند (راهبردهای ولایت، ج ۳: ۲۷۶).

جدا کردن ملت از گذشته خود:

جدایی‌افکنی میان گذشته هر نسل، دستاوردها و افتخارات آنان و بی‌ریشه کردن نسل‌ها و جداسازی ملت ایران از دستاوردهای بیست سال گذشته انقلاب و دوران مشعشع امام خمینی^(ع) از تهدیدات جدی دشمنان است (حدیث ولایت، ج ۳: ۱۷). همچنین جداسازی ملت از دوران جنگ و نمادهای آن نیز در همین چارچوب قرار دارد (همان، ۱۵).

تهاجم فرهنگی:

تهاجم به این روش مرزهای آن خیلی وسیع‌تر از انقلاب است. این نوع تهاجم متوجه اسلام می‌باشد. لذا تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی اسلام و آموزه‌های اسلامی را که میان توده‌های مردم نفوذ دارد دربر می‌گیرد (همان، ج ۳: ۲۸۵). علاوه بر آن برجسته‌های فکری، اخلاقی و ایمانی مردم نیز تهاجم شکل گرفته است (همان، ج ۲: ۲۰).

تهاجم روانی:

توطئه کردن از طریق دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازی به امید ترساندن مردم و کور کردن آنان (همان: ۴۰)، ایجاد اختلاف در میان مردم، مردم با دولت (راهبردهای ولایت، ج ۳: ۱۳۶) و میان آحاد ملت و قشرهای مختلف مردم و از این مسیر تخریب وحدت ملی و اتحاد عمومی ملت، تشویش افکار عمومی یعنی ایجاد تشنج و جنجال در فضای سیاسی کشور با هدف نشان دادن ناامنی (حدیث ولایت، ج ۷: ۲۸۸)، بزرگ‌نمایی مشکلات و ضعف‌های کشور و تیره و تار نشان دادن آینده کشور (راهبردهای ولایت، ج ۴: ۷)، ممزوج کردن حق و باطل و به دنبال آن ایجاد انحراف اذهان عمومی (همان، ج ۳: ۲۸۰) از جمله آماج تهدیدات روانی دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران است.

فساد:

فساد در انواع مختلف آن مانند فساد اداری که شاخصه‌های مهم آن رشوه‌خواری، کم‌کاری، رابطه به جای ضابطه، عزل و نصب‌های خارج از ضابطه، فساد جنسی خصوصاً در جوانان (همان، ج ۸: ۱۹۶) و فساد سیاسی می‌باشد، از تهدیدات مهم کشور هستند.

بی‌اعتمادی به نظام و مسئولان:

وجود فاصله میان مردم و مسئولان، دل‌چرکین بودن مردم از مسئولان، از دست رفتن حسن اعتماد به کارگزاران این کشور از جمله تهدیدات کشور می‌باشد (پرتوی از ولایت، ۲۴).

نفوذ:

امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در

مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است. نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولان گوناگون - از جمله خود سپاه - جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان شاء الله می‌گیرند (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۱۳۹۴/۰۶/۲۵).

محیط زیست:

در نگاه رهبر انقلاب اسلامی محیط زیست و حفظ و صیانت آن مسئله‌ای حیاتی و برگرفته از تعالیم اسلام است و می‌فرمایند: «حفظ محیط زیست، این چیزی که امروز دنیا به آن دست یافته، از جمله چیزهایی است که جزو تعالیم اسلام است» (۱۳۸۹/۱/۹) تا آن جا که ایشان این مسئله را یک وظیفه «حاکمیتی» می‌دانند و در این خصوص می‌فرمایند: «حفظ و رعایت محیط زیست، یک وظیفه حاکمیتی است» (۱۳۹۳/۱۲/۱۷) معظم‌له در بیانی دیگر در باب حیاتی بودن محیط زیست تأکید داشته‌اند: «برای ما مسئله محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، مسئله‌ای تجملاتی و درجه دو نیست؛ یک مسئله حیاتی است» (۱۳۷۷/۱۲/۱۴) ایشان در خصوص تهدید محیط زیست و فراگیری آن اشاره می‌کنند: «تخریب محیط زیست، از آن چیزهایی است که ضربه‌اش را یک ملت، یک منطقه جغرافیایی، گاهی همه دنیا در وقتی احساس می‌کنند که دیگر قابل جبران نیست» (۱۳۸۹/۱/۹) و از حیث اهمیت محیط زیست می‌فرمایند: «سیاست برای چیست؟ اقتصاد برای چیست؟ خدمات گوناگون شهری و کشوری برای چیست؟ اصلاً پیشرفت کشور برای چیست؟ پیشرفت برای این است که انسان‌ها زندگی سالم و مطلوبی داشته باشند. اگر محیط زیست تخریب شد، همه این‌ها باطل خواهد شد. اهمیت محیط زیست اینجاست» (۱۳۸۹/۱۲/۱۷).

سایر موضوعاتی که از سوی مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) به‌عنوان تهدید از آن برداشت می‌شود می‌توان به اغتشاشات شهری، مانور اشرافیگری، نفوذ، تشدید واگرایی قومیت‌ها، تغییر سبک زندگی و... اشاره نمود (ساوه درودی و همکاران، ۱۳۹۵). در یک جمع‌بندی از اندیشه مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) می‌توان به بیانات ایشان اشاره نمود که می‌فرمایند: «هر چیزی که به سلامت، ایمان، عزم و نشاط، لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوق بگذارد، تهدید است. ولن‌گاری تهدید است؛ بی‌بندوباری تهدید است؛ مواد مخدر تهدید است؛ بی‌اهمیتی به علم و درس و کار تهدید است؛ سرگرم شدن به مناقشات اجتماعی

بیهوده تهدید است؛ درگیری‌های داخلی تهدید است؛ بی‌اعتمادی به نظام و مسئولان تهدید است؛ البته غفلت مسئولان هم تهدید است؛ برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۲/۱).

نتیجه‌گیری

مکاتب و نظریه‌های امنیتی را می‌توان در دو الگوی گفتمانی طبقه‌بندی کرد: ۱- امنیت متعارف ۲- امنیت متعالیه، که به‌رغم برخی تشابهات در ابعاد امنیتی که مبتنی بر امنیت دنیوی انسان‌ها، دولت‌ها، اقوام، و... می‌باشد لکن وجه تمایز بنیادی این دو گفتمان این است که گفتمان امنیتی متعالیه به بقای ابدی انسان می‌اندیشد؛ درحالی که گفتمان امنیتی متعارف صرفاً بقای دنیوی را در کانون توجه خود قرار داده است. تحقق بقای ابدی در گفتمان امنیتی متعالیه که بقای ابدی انسان کانون توجه آن است جز لقا و قرب الهی تحصیل نمی‌شود از طرفی در گفتمان متعارف بقای دنیوی انسان‌ها مد نظر است و این در حالی است که برخی متغیرها از جمله نژاد، گروه‌ها، افراد، دولت‌ها و ملت‌ها این بقا را از جامعیت انسان‌ها خارج و صرفاً به بقای بخش خود توجه می‌دهند و گاهی این تخصیص باعث تقابل با حق می‌شود. یکی دیگر از وجوه تمایز این دو الگو علت مادی امنیت است، مواد تأمین‌کننده امنیت در بخش نرم‌افزاری متفاوت‌اند؛ زیرا قرآن و سنت از مواد اصلی مکتب امنیت متعالیه هستند؛ درحالی که این موضوع نه تنها در مکتب امنیتی متعارف مورد توجه نیستند، بلکه در برخی موارد عمل ضد دستورالعمل‌های دینی مورد تأکید است. اما از لحاظ سخت‌افزاری هر دو مکتب مشترک‌اند، چون معرف تجربی در هر دو مکتب به رسمیت شناخته می‌شود؛ از این رو مکتب امنیتی متعارف از نظر طرفداران مکتب امنیتی متعالیه به لحاظ معرفتی ناقص محسوب می‌شود. همچنین به لحاظ صوری هر دو مکتب از مشتقاتی نظیر امنیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... سخن می‌گویند که جدول زیر مقایسه تطبیقی از این دو گفتمان را مورد نمایش قرار می‌دهد.

جدول شماره ۵: مقایسه تطبیقی گفتمان متعارف و متعالیه

مؤلفه‌های مطرح در گفتمان	مفهوم امنیت	ابعاد امنیت	مرجع امنیت	سطح امنیت	روش تحصیل امنیت
متعارف	مصونیت از تعرض با محوریت بقای دنیوی	مضیق / موسع (فقط دنیا)	رژیم، دولت، جامعه، فرد	بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و اجتماعی	زور، اقتدار، سلطه، اغواء، اغفال، اقناع، تطمیع و تهدید
متعالیه	مصونیت از تعرض با محوریت بقای ابدی	متعالی (دنیا و عقبی)	اسلام	انسان در همه سطوح عقلی، قلبی و جسمی: فردی، خانوادگی، ملی، منطقه‌ای و جهانی	ایمان، عمل صالح، پرهیز از ظلم، دعوت، جهاد (اکبر، کبیر، اصغر، افضل)

در گفتمان متعالیه ضمن تأکید بر تأمین امنیت دنیوی در همه ابعاد علاوه بر ظاهر، به باطن اعمال نیز توجه دارد و ملازم با امر دنیوی امر اخروی را مد نظر دارد و این وجه تمایز آن با گفتمان متعارف است. به عبارت دیگر گفتمان متعارف امنیت عقبی را بر امنیت دنیا مقدم می‌داند زیرا مرجع امنیت متفاوتی دارند.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات عفت.
- ۲- آزر، ادوارد و چونگ این مون (۱۳۷۹)، به سوی اندیشه بدیل: در «امنیت ملی جهان سوم»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- _____ (۱۳۷۹)، مشروعیت، یک پارچگی و توان سیاست سازی، وجه نرم‌فزاری امنیت ملی جهان سوم، در امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- ۵- اصفهانی، راغب (۱۴۱۲ ه. ق)، مفردات، به کوشش صفوان داودی، دمشق: دارالقلم.
- ۶- افتخاری اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشناسی تهدید، تهران: دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
- ۷- ز _____ (۱۳۸۱)، ساخت دولت امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- ۸- _____ (۱۳۷۸)، تهدیدات نرم، تقریرات کلاس درس، دوره هفتم دکتری تهدیدات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۹- الصحاح، الجوهری (۱۴۰۷ ه. ق)، فقه القرآن، به کوشش عبدالغفور العطاری، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۱۰- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۲- خسروی، علی‌رضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی^(ره)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۳- خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، تمام مجلدات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- _____ (۱۳۷۸)، صحیفه امام؛ نرم افزار، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم نشر آثار.
- ۱۵- ره پیک، سیامک (۱۳۸۵)، درک امنیت عمومی، فصلنامه امنیت عمومی، شماره ۱، زمستان.
- ۱۶- ساوه درودی، مصطفی و دیگران (۹۵/۲/۲۶)، «الگوی تهدیدشناسی از منظر مقام معظم رهبری».
- ۱۷- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۳)، نظریه امنیت، ج اول، تهران: موسسه مطالعات راهبردی.
- ۱۹- _____ (۱۳۸۲)، نظریه امنیت، تهران: ابرار معاصر.
- ۲۰- کاظم‌پور، ذکریا (۱۳۹۶)، منابع و ویژگی‌های تهدیدات در مطالعات امنیتی، فصلنامه اطلاعات حفاظتی، سال هشتم، شماره اول، مسلسل ۲۷، تهران.
- ۲۱- کالینز، جان‌ام (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۲- کریمی مله، علی و دیگران (۱۳۸۹)، تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی^(ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۸۹، شماره مسلسل ۴۹.
- ۲۳- گرشاسبی، اصغر (۱۳۸۵)، فرهنگ لغات و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی، تهران: انتشارات زبانکده.

- ۲۴- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۲۵- لیک، دیوید و پاتریک مورگان (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای، امنیت‌سازی در جهان نوین، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۶- معاونت آموزشی عقیدتی سیاسی (۱۳۸۱)، تهدیدات فرهنگی و راهبردهای مقابله در کلام ولی امر مسلمین، تهران: انتشارات نسل کوثر.
- ۲۷- هاشمیان، زاهد (۱۳۹۸)، تقریر از درس فلسفه امنیت در اسلام، دوره دکتری امنیت ملی.
- ۲۸- هافندورن، هلگا (۱۳۸۰)، معمای امنیت، نظریه‌پردازی و ایجاد رشته‌ای در زمینه امنیت بین‌المللی، در ارزیابی‌های انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل، گردآوری و ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۲۹- یورگنسن، ماریان دبلیو و فیلیپس لوئیز جی (۱۳۹۲)، چاپ سوم، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- 30- Adler, Manuel (1997), 'Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics', *European Journal of International Relations*, Vol. 3, No. 3.
- 31- Barkawi, Tarak and Mark Laffey (2006), 'Review of International Studies', Vol. 32.
- 32- Buzan, Barry, Ole Waever (2005), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge, Camlridge University press.
- 33- Cheeseman, Graeme (2005) "Military Forces and In Security" in *Critical Security Studies and world Politics*, edited by Ken Booth: Boulder, Lynne Rienner publishers.
- 34- Sheehan, Michael (2005) *Interernational Security: An Analytical Survey*: Boulder Lynne Rienner Publishers, p. 13.
- 35- Waltz, Kenneth N. (2000), "Structural Realism after the Cold - War" *International Security*, Volume 25, No. 1, Summer.
- 36- Walt, Stephen (2000), 'keeping the world off- Balance: Seif - Restraint and U. S. Foreing polity', October: John F. Kennedy school of Government, Harvard University Research Working Popers.
- 37- Wendt, Alexander Why a World State is inevitable: Teleology and the Logic of Anarchy, available at www.Ptw.Uchicago.edu/Wendt03.Pdf
- 38- Wendt, Alexander (1999), *Social Theory of International Politics*: Cambridge, Cambridge University Press.
- ۳۹- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در سایت www.Khamenei.ir